

دور آتی
دور کارگران است
صفحه ۷

یک روز هم
دوام نخواهد آورد
صفحه ۶

خطاب به زنان
آزاده ایران
صفحه ۱۲

"پرچم" ابزار
سرکوب عقاید
صفحه ۸

کارگران ایران
محکوم میکنند!
صفحه ۶

جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود



جنگ خیابانی در تهران و شهرهای بزرگ

فعالیت های حزب در خارج کشور
به حمایت از اعتراضات دانشجویان و مردم در ایران
مصاحبه با اصغر گرمی

به نجات جان زندانیان سیاسی در ایران برخیزید!

پلنوم دهم کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۴

درباره شعار جمهوری سوسیالیستی
حمید تقوائی
صفحه ۲

مصاحبه با منصور حکمت
درباره رویدادهای اخیر ایران
صفحه ۵

به کارگران نفت

رفقا، آنچه در ایران امروز میگذرد یک حقیقت را بیش از هر چیز تاکید میکند. رژیم اسلامی رفتنی است. باید برود. این حکم مردم ایران است. این حکم طبقه کارگر ایران است، حکم زنان ایران است، حکم همه کسانی است که برای آزادی و برابری و حرمت و رفاه انسانها در ایران دل می سوزانند. روند سرنگونی رژیم اسلامی آغاز شده است. و این شا را به میدان رهبری فرا میخواند.

بیست سال قبل سقوط رژیم سلطنت وقتی مسجل شد که کارگر نفت، در راس کل طبقه کارگر ایران، بعنوان رهبر جامعه، رهبر سرسخت انقلاب، قد علم کرد. امروز نیز شیشه عمر این رژیم، کثیف مذهبی، این حکومت اسلامی سرمایه، در دست شمساعت. همه میدانند که کارگر نفت ایران غول ارتجاع، با همه دستگاههای تبلیغاتی اش، خفته ای است که اگر برخیزد، کار کل اردوی حامیان بین المللی اش، ارتش و سپاه و اوپاشش، سرنیزه ها و شلاقها و عمامه هایش، بسرعت یکسره خواهد شد.

اردوی آزادی و برابری و رهایی در ایران چشم بشما دوخته است. زمان برای وسیع ترین و قاطعانه ترین دخالت طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران فرا رسیده است. اعتصاب سیاسی کارگران نفت در اخطار بر رژیم اسلامی یک اقدام کارساز و حیاتی در شرایط امروز است.

منصور حکمت
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیرماه ۱۳۷۸

جمهوری اسلامی میلرزد

مردم، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان، همان روز اول از چارچوبی که تشکلهای وابسته به جناح خاستی میخواستند بر حرکتشان تحمیل کنند بیرون زدند. نه فقط این، بلکه حرکت عظیم دانشجویان و مردم، ریختن به خیابانها بعنوان طرف کاملا مستأیزی که

خیزش اخیر، از جرقه حمله اوپاش اسلامی به تحصن کوی دانشگاه و خوابگاههای دانشجویان برخاست. جوابی که این جانبان گرفتند، چنان جسورانه بود و چنان سریع و گسترده مورد حمایت مردم قرار گرفت که هر دو جناح رژیم را غافلگیر کرد و به فلج انداخت. عقب نشینی سریع همه مقامات و ارگانهای بالای رژیم، محکوم کردن یورش به کوی و پرکاری فوری دو تن از فرماندهان اوپاش، سرتیب میر احمدی و حاج آقا حسینی، نشان داد که از چشم انداز میدیان آمدن گسترده و خشمگینانه مردم چگونه به وحشت افتاده اند.

جان دستگیر شدگان در خطر است

اطلاعات رژیم، حسن زارع زاده، روزبه فراوانی پور، خسرو سیف، بهرام نمازی، فرزین مخبر، مهران عبدالباقی، محمد اقبال کازرونی، سعید رسولیان و وزیر پالاسچی را بعنوان مسببین اعتراضات معرفی کرده است. قبل از این اسامی غلامرضا مهاجری نژاد، منوچهر محمدی، مریم شانی و رحیم رضائی از طرف رژیم اعلام شده بود. وزارت اطلاعات در حال برپونده سازی علیه این افراد است و در حالیکه صدها نفر از دستگیرشدگان هنوز در زندان بسر میبرند، شکار معترضین دیگر نیز در برنامه این وزارت خانه است. نه تنها مردم مستمندی ایران بلکه امروز همه مردم دنیا این رژیم کثیف و چنانیکار را می شناسند و از شکنجه های قرون وسطائی این رژیم و از بیحقوقی زندانیان سیاسی بخوبی واقفند.

مردم آزادیخواه، ایرانیان مقیم خارج
جان دستگیر شدگان و بویژه لیستی که از جانب رژیم به عنوان مسببین این اعتراضات معرفی شده اند، در خطر است. با تمام وجود برای آزادی و نجات جان زندانیان به میدان بیایید. به سران مرتجع و چنانیکار این رژیم حالی کنید که با هر سرکوب و تهنیدی موجهی از اعتراضات سراسر اروپا و آمریکا را

فرماندهان اوپاش، سرتیب میر احمدی و حاج آقا حسینی، نشان داد که از چشم انداز میدیان آمدن گسترده و خشمگینانه مردم چگونه به وحشت افتاده اند. در اعتراض به تعطیل روزنامه سلام، تحصن در تیرماه در کوی امیرآباد برپا شد. ساعتی بعد اوپاش حزب الله و نیروهای انتظامی وحشیانه به تحصن یورش بردند، همچنین به خوابگاه دانشجویان ریختند و زدند و کشتند و سوزاندند. علاوه بر کشته، شمار بسیار زیادی از دانشجویان مجروح و مصدوم و دستگیر شدند. پس از سه هفته هنوز آمار کشته ها، زخمیها و خسارات بیار آمده اعلام نشده است. مقابله دانشجویان علیه نیروهای سرکوبگر، قبل از ظهر جمعه به خارج از کوی کشیده شد و با حمایت وسیع

فاتح شیخ الاسلامی

شش روزی که جمهوری اسلامی را لرزاند

همان معدود صحنه ها که در آن شش روز از رسانه های جمهوری اسلامی پیش شد و به صدر اخبار دنیا جهید، کافی بود تا موجودیت رژیم با سوال خطیری مواجه شود: انقلاب شروع شده است؟ آن شش روز اگر خود شروع انقلاب نبود، یادآور مناظر انقلاب ۵۷ و پیام آور انقلاب آتی بود. آن شش روز سرفصل جدیدی از مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم بود. خروش شعارها و جنگ خیابانی در تهران و ۱۸ شهر دیگر، پیام سرنگون باد! را به هر گوش دیرپاوری فرو کرد. در پشت رویدادهای دو هفته اخیر، روندهای سیاسی اصلی در جامعه و در رابطه مردم و رژیم را باید دید. شش روزی که جمهوری اسلامی را لرزاند و روزهاییکه ضدحمله رژیم جنگ خیابانی را فروشانند و "آرامش" را - شکننده تر از همیشه - به خیابانها برگرداند، هردو لحظات یک جدال عظیم سیاسی اند که مضمون آن تلاش مردم برای عقب نشاندن و بیزیر کشیدن جمهوری اسلامی از یک طرف و از طرف مقابل، تلاش دو جناح رژیم، در توافق با هم و یا هر یک به شیوه خود، برای حفظ نظام در برابر مبارزات و تعرضات مردم بیجان آمده است.

منشا اولیه رویارویی ها درباره ماهیت آن، عظمت آن، نقش آن در مساعد کردن شرایط مبارزه وسیع برای سرنگونی و تاثیرات برگشت ناپذیر آن در آرایش سیاسی جامعه، توضیحی نمیدهد. در حقیقت نیروی اعتراض نهفته در پائین، این بار در پاسخ یورش اوپاش اسلامی به کوی دانشگاه سر باز کرد؛ مقاومت جسورانه دانشجویان و حمایت جانانه مردم، رویارویی کوی را سرعیا به جنگ خیابانی علیه رژیم مبدل کرد. عقب نشینی فوری بالاترین مقامات و برکناری دو فرمانده جانبان مهاجم، تأکیدی بر احساس خطر هردو جناح از آسیب پذیری رژیمشان در برابر اعتدالی مبارزات مردم بود. خواستند از "راه سیاسی"، با تکیه به تشکلهای اسلامی دانشجویی، جلوی سیل را بگیرند، اما مردم از آن عقب نشینی برای پیشروی بیشتر استفاده کردند. معلوم شد که فقط تلاش آن تشکلهای بلکه تقابل کل جناح موسوم به جهبه دو خرداد با مبارزات رادیکال دانشجویان و مردم، جلودار سیل براه افتاده نیست. جنگ خیابانی همچنان ادامه می یافت و رادیکال تر میشد. سرکوب و کشتار و زندان تنها ابزار موثر رژیم برای نجات خود بود. روز ششم (همان روزیکه تهدیدنامه سران سپاه به خاتمی داده شد) در جناح در "شورای عالی امنیت ملی" بر لزوم سرکوب خیزش مردم توافق کردند و خاتمی، بدون لخبند، آن را از تلویزیون اعلام کرد. با فرار گرفتن در کنار خاتمی ای و الله کرم در سرکوب مردم، خاتمی بوجهی تبلیغاتی طرفدارانش درباره "جامعه مدنی" را هرچه بیشتر عریان کرد. ضدحمله رژیم، خیزش رادیکال مردم را بعقب راند، اما اوضاع، چه در رابطه دو جناح با هم و چه در رابطه مردم با رژیم همچنان پرتنش ماند. هم کل رژیم و هم دو جناح آن، تسلط و کنترل گذشته شان را بر اوضاع از دست داده اند. دو پی دو سال متوالی مبارزات کارگران، زنان، جوانان و توده مردم بجان آمده در این گوشه و آن گوشه جامعه، در پی گسترش اعتراضات کارگری و خیزش مردم در شهرهای کردستان، خیزش مسترکز و پرشور مردم در خیابانها و میدانهای مرکزی تهران و سرایت برق آسای آن به شهرهای دیگر، تأکیدی بر این حقیقت است که روند سرنگونی جمهوری اسلامی در حرکت ناپذیر است. چگونه و با چه سرعتی و در چه مسیری این روند به سرانجام خواهد رسید، مساله این است. بیست سال پیش در بزرگه انقلاب ۵۷، کارگران رژیم شاه را برانو در آوردند. این یک خاطره نیست؛ یک حقیقت تاریخی-اجتماعی است که دبیریت به واقعیت سیاسی بدل شده است. نیروی کارگران در تحولات سیاسی کنونی و آتی در ایران تعیین کننده است. این نیرو میتواند و باید در صف مقدم مردم آزادیخواه کار جمهوری اسلامی را یکسره کند. هرچه زودتر بهتر. کمک به بسیج و سازمانیابی این نیرو، کمک به قرار گرفتن آن در مرکز کارزار سیاسی امروز جامعه، وظیفه فوری حزب کمونیست کارگری، هر کارگر کمونیست و هر انسان آزادیخواه است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

درباره شعار جمهوری سوسیالیستی

مصاحبه با حمید تقوایی

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

انتر سنیوال: بلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب، عنوان جمهوری سوسیالیستی را برای نام حکومت کارگری در ایران، با شکل و مضمونی که در برنامه حزب تعریف شده، تصویب کرده است. ضرورت انتخاب این عنوان در مقطع فعلی چیست؟

حمید تقوایی: همانطور که در قطعنامه تصریح شده ضرورت طرح شعار جمهوری سوسیالیستی، مبارزاتی است که مردم ایران برای سرنگون کردن رژیم اسلامی آغاز کرده اند. این مبارزات مشخصاً از زمان انتخاب خاتمی تا کنون به رو به گسترش بوده است.

خود جریان انتخاب خاتمی در واقع آغاز اعمال اراده مردم برای سرنگونی رژیم بود. مردم به میدان آمدند تا به جمهوری اسلامی ستون فقرات سیاسی آن یعنی ولی فقیه نه بگویند، همین علت هم پس از انتخاب خاتمی این حرکت نه تنها شد و متوقف نشد، بلکه طی دوسال اخیر وسیع تر و رادیکال تر نیز شد است. بهر حال امروز شاهد آتیم که در تهران و سایر شهرهای ایران مردم بخوابانده میزینند، عکس خامنه ای را پاشش میکنند و شعار مرگ بر حکومت آفرینی میدهند. امروز دیگر فکر نمیکند کسی در این تدریجی داشته باشد که توده وسیع مردم ایران خواهان سرنگونی رژیم اند و برای براندازی رژیم با بیمان مبارزه کنند.

حمید تقوایی: اگر قبل از او جگر مبارزات دانشجویان و موج اخیر مبارزات مردم در شهرهای ایران این سوال را میکشید شاید پاسخ به آن کمی تحلیل و استلال لازم داشت اما امروز نمیتوانم که کسی میخواند ادعا کند که شعار برکنار، برکنار، حکومت آفرینی برکنار و یا "مردم قیام شروع شده، بیست سال سکوت تمام شده" نشانه سیر تغییر و تعدیل رژیم است، و یا مثلاً انظور که نیروهای اپوزیسیون توده زیادی ادعا میکنند نشان میدهد که مردم با خاتمی روی آمده اند و به زرفرم های وی دل بسته اند! این نوع نظرات و افکار من فکته سیاسی حرکات اعتراضی ضد رژیمی در دوره اخیر است. انقلاب ۵۷ نیز همین نقطه ضعف را داشت و اساساً همین دلیل به شکست کشیده شد. به نظر من انقلاب نه تنها نمیتواند بدون یک افک و آرمان و هدف اثباتی روشن به سرانجام برسد بلکه در شرایط امروز ایران حتی نمیتواند شکل بگیرد. مبارزه مردم برای سرنگونی بدون افق و آرمان اثباتی روشن عقیده خواهد ماند، شکست کشیده خواهد شد و یا برضای مسخ و تحریف خواهد شد. ما در مقابل این وضعیت، میخواهیم به یک انقلاب عظیم اجتماعی حول

جمهوری سوسیالیستی یک نظام شورائی است و نه پارلمانی و این یک فرق اساسی و پایه ای جمهوری سوسیالیستی مورد نظر ما از شعارهای پارلمانی نوع غربی و همچنین جمهوری های نوع بلوک شرق هر دو است.

جمهوری سوسیالیسم شکل بدهم، سوسیالیسم آرمانی است که ما در برابر جامعه قرار میدیم و با تمام قوا میکشیم تا آنرا به پرچم مبارزات کارگران، زنان، جوانان و توده وسیع مردم شریف و زحمتکشی که برای سرنگونی رژیم سرخوش میمانند، تبدیل کنیم. ما میکشیم اگر جمهوری اسلامی وحشی ترین و کثیف ترین رژیم سرمایه در ایران باشد. ما آخرین آن نیز باشد. ما شعار جمهوری سوسیالیستی اعلام میکنیم که کارگران و توده مردم می توانند و می توانند به همراه سرمایه داری ایران را به همراه رژیم اسلامی پاسدار آن دفن کنند.

انتر سنیوال: امروز در صف اپوزیسیون ما خیلی های میر تحولت سیاسی را نه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه بیشتر در جهت تغییر و تعدیل این رژیم می بینند. حزب کمونیست کارگری بر این شلار، بو عکس، مبتنی بر اینست، بحث اینجورگی مبارزه برای سرنگونی رژیم، به استقبال رفتن آن و کنکرت کردن شعار حزب در متن مبارزه جاری برای سرنگونی است. این دیدگاه را چگونه مستدل میکنید؟

شعار جمهوری سوسیالیستی

نظر به ضرورت بیان هرچه ملموس تر شعارها و اهداف حزب در مبارزه رو به گسترش جاری برای سرنگونی رژیم اسلامی، و نیاز به انتخاب یک عنوان عامه فهم برای حکومت کارگری مورد نظر حزب که باید فوراً بجای جمهوری اسلامی برقرار گردد، بلنوم عنوان جمهوری سوسیالیستی را بعنوان نام حکومت کارگری در ایران، با شکل و مضمونی که در برنامه حزب به روشنی تعریف شده است، تصویب میکنند. لازم است در تبلیغات حزب عبارات حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی هر دو بعنوان عناوینی برای توصیف یک نظام سیاسی واحد مورد استفاده قرار گیرد.

یعنی اپوزیسیون دو فراد در خرداد، در دوسال اخیر فعالانه در طرفداری از خاتمی و بعنوان بلندگوهای تبلیغاتی وی در خارج و داخل کشور عمل کردند. و رسانه های غربی نیز وسیعاً همین نقش را ایفا کردند. با گسترش و پیشرفت مبارزات مردم این خط طرفداری از خاتمی روز بروز عرصه را بر خود تنگتر می یابد. با باید تماماً به صف ارتجاع و مقابله با جنبش سرنگونی طلب بیایند، و یا در مواضع سازشکارانه خود تجدید مقابله با کل رژیم بریزند. پولاریزه کردن نیروها و احزاب سیاسی یک قانونمندی عمومی انقلابی اجتماعی است که در ایران نیز با او جگرگی و ارتقای مبارزات برای به سطح یک انقلاب اجتماعی این پولاریزاسیون صورت خواهد گرفت.

انتر سنیوال: در توضیح این شعار در فرآض قویب شده آمده است: "با شکل و مضمونی که در برنامه حزب به روشنی تعریف شده است؛ آیا این بدان معنی است که برای توده گزر کردن شعار باید پیش از پیش کلیت برنامه حزب را تبلیغ کرد یا برقراری سوسیالیسم و حکومت کارگری یک هدف برنامہ ای و همیشگی ماست. این آرمان و هدفی است که ما همواره برای تحقق آن مبارزه کرده ایم و طرح و تبلیغ آن ربطی به شرایط امروز ایران ندارد. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری که از بنادر تأسیس حزب کمونیست کارگری، و حتی قبل از تشکیل این حزب از ۱۵ سال پیش، در دستور کار ما قرار داشته است، ناظر بر اهمیت این شعار در استراتژی حزب است. شعار جمهوری سوسیالیستی در واقع شکل بیان ملموس تر و توده گیر تر شعار حکومت کارگری در شرایط امروز ایران است.

هدف دیگری از این تأکید مود نظر بود است؟

انتر سنیوال: اگر فراد است حکومت کارگری و "جمهوری سوسیالیستی" هر دو بظان عناوینی برای توصیف یک نظام سیاسی واحد مورد استفاده قرار گیرند، چرا شعار جمهوری سوسیالیستی لازم شده است؟ چرا باید در کنار شعار حکومت کارگری، جمهوری سوسیالیستی را هم طرح کرد؟

انتر سنیوال: برقراری سوسیالیسم و حکومت کارگری یک هدف برنامہ ای و همیشگی ماست. این آرمان و هدفی است که ما همواره برای تحقق آن مبارزه کرده ایم و طرح و تبلیغ آن ربطی به شرایط امروز ایران ندارد. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری که از بنادر تأسیس حزب کمونیست کارگری، و حتی قبل از تشکیل این حزب از ۱۵ سال پیش، در دستور کار ما قرار داشته است، ناظر بر اهمیت این شعار در استراتژی حزب است.

شعار جمهوری سوسیالیستی در واقع شکل بیان ملموس تر و توده گیر کردن این شعار بدون توضیح و تبلیغ وسیع مضمون آن امکانپذیر نیست. نه تنها کارگران، که جمهوری سوسیالیستی برای آنان نویدبخش الغای استثمار و کارمزدی است، بلکه همه کسانی که خواهان زندگی در یک دنیای بهتر و انسانی تر هستند، میتوانند و باید مدافع و خواستار جمهوری سوسیالیستی باشند. این یک هدف اصلی تبلیغات ما بر متن جنبش رو به گسترش ضد رژیمی در این دوره است.

نیست. نه تنها کارگران بلکه زنان، جوانان، کلیتهای مذهبی، و تمام اقشار و گروههای اجتماعی که به نحوی تحت ستم رژیم اسلامی و استثمار و برابری طبقاتی سرمایه داری قرار دارند در برنامه حزب ما، که در واقع برنامه عمل جمهوری سوسیالیستی است، راه رهانی خود خواهند یافت. این برنامه طبقه کارگر نه تنها برای رهائی خود، بلکه برای آزاد ساختن کل جامعه است و کل جامعه باید این حقیقت را دریابد. توده مردم باید بدانند که جمهوری سوسیالیستی نظامی است مبتنی بر برای و اعمال اراده مستقیم شوراها ی مردم در تمام سطح اداره امور جامعه. باید برای همه روشن کرد که جمهوری سوسیالیستی یک نظام شورائی است و نه پارلمانی و این زمان کارگران نمی توانستند تصویر روشن و دقیقی از معنا و محتوای آن داشته باشند، با اینهمه طرح این شعار در دوره ای که مملکت در حال تحولت تدریجی را محتمل میدانند و دیگری سرنگونی را، بلکه همشتر از آن بحث بر سر نقش و عملکرد واقعی نیروها در تحولت اخیر ایران است. معتمدین به تحولت تدریجی

مستولین امور را در هر سطحی عزل کنند. عالیترین ارکان جمهوری سوسیالیستی کنگره سراسری شوراها ی مردم است. مردم باید بدانند که جلای کامل مذهب از دولت، آموزش و پرورش و کلیه قوانین کشور، تأمین برابری کامل زن و مرد در کلیه شئون، و تصمین آزادی بی قید و شرط بیان و قلم و اعتصاب های واقعی و عینی ای که مبارزات جاری کارگران و مردم را در مبارزه برای سرنگونی رژیم، زمینه و عرصه واقعی کار ما برای مرتبط کردن این مبارزات و با در واقع مستعد کردن و ارتقا بخشیدن آنها به مبارزه جاری جمهوری سوسیالیستی را نیز فراهم می آورد. ما باید نفرت کارگران و توده مردم از رژیم اسلامی را به خواست و هدف برقراری جمهوری سوسیالیستی ترجمه کنیم. و این فقط با کار آگاهانه و وسیع و در معرفی برنامه عمل و اهداف و سیاستهای جمهوری سوسیالیستی میسر است.

در برنامه حزب رنوس مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگران مشخص شده است. برنامه همچنین قوانین ناظر بر آزادی بی قید و شرط بیان و قلم و تشکیل و توزیع، آزادی و برابری زنان، حقوق کهنک، موازین اجتماعی و فرهنگی مدن و پیشرو، رفاه و بیمه های اجتماعی، رفع ستم ملی و غیره را مشخص کرده است. بنابراین هر مبارزه و جنبش اعتراضی، از مبارزه کارگران برای کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار گرفته تا مبارزه زنان علیه حجاب تا مبارزه و تحریکات دانشجویان و روشنفکران برای آزادی قلم و بیان تا جنبش مردم کردستان برای رفع ستم ملی، همه اینها میتوانند در برنامه جمهوری سوسیالیستی معنی پیروزی و تحقق اهداف خود را بیابند. همانطور که مردم فهمیده اند که رسیدن به این کاملاً محتمل است که رژیم ایران را سرنگونی کنیم. ما باید این نیز دریابند که تحقق همه جانبه و غیرقابل بازگشت خواستههای بدون برقراری جمهوری سوسیالیستی ممکن نیست. نه تنها کارگران، که جمهوری سوسیالیستی برای آنان نویدبخش الغای استثمار و کارمزدی است، بلکه همه کسانی که خواستار رفاه و آزادی هستند، همه کسانی که خواهان زندگی در یک دنیای بهتر و انسانی تر هستند، میتوانند و باید مدافع و خواستار جمهوری سوسیالیستی باشند. این یک هدف اصلی تبلیغات ما بر متن جنبش رو به گسترش ضد رژیمی در این دوره است.

نیست. نه تنها کارگران بلکه زنان، جوانان، کلیتهای مذهبی، و تمام اقشار و گروههای اجتماعی که به نحوی تحت ستم رژیم اسلامی و استثمار و برابری طبقاتی سرمایه داری قرار دارند در برنامه حزب ما، که در واقع برنامه عمل جمهوری سوسیالیستی است، راه رهانی خود خواهند یافت. این برنامه طبقه کارگر نه تنها برای رهائی خود، بلکه برای آزاد ساختن کل جامعه است و کل جامعه باید این حقیقت را دریابد. توده مردم باید بدانند که جمهوری سوسیالیستی نظامی است مبتنی بر برای و اعمال اراده مستقیم شوراها ی مردم در تمام سطح اداره امور جامعه. باید برای همه روشن کرد که جمهوری سوسیالیستی یک نظام شورائی است و نه پارلمانی و این زمان کارگران نمی توانستند تصویر روشن و دقیقی از معنا و محتوای آن داشته باشند، با اینهمه طرح این شعار در دوره ای که مملکت در حال تحولت تدریجی را محتمل میدانند و دیگری سرنگونی را، بلکه همشتر از آن بحث بر سر نقش و عملکرد واقعی نیروها در تحولت اخیر ایران است. معتمدین به تحولت تدریجی

انتر سنیوال: بطور کنکرت راهی که حزب کمونیست کارگری برای رسیدن به جمهوری سوسیالیستی پیش پای مردم میگردد چیست؟ حلقه هلی که مبارزات جاری کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی و برای بهبود شرایط زندگی خود را با تحقق جمهوری سوسیالیستی مرتبط میکنند که است؟

حمید تقوایی: آنچه مبارزات جاری کارگران و اقشار مختلف مردم برای بهبود شرایط زندگی خود را به هم مرتبط میکنند این واقعیت است که نفس وجود رژیم اسلامی اولین مانع بر سر راه تحقق مطالبات آنهاست. مردم در تجربه خود به این واقعیت پی برده اند. کارگران و اقشار مختلف مردم این واقعیت را باقی گذاشته اند که هر بهبودی در وضعیت زندگی شان بر بهبودی در سرنگونی رژیم است. و همین علت هم هست که ما امروز شاهد گسترش جنبش ضد رژیمی در ایران

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انتر سنیوال International
ISSN 1401-
Supervising Editor: Fateh Shaikholeslami
Page Setting: Gholam Akbari
سر دبیر: فاتح شیخ الاسلامی
مسکرتی: غلام اکبری
Email: wp@iran1.freemove.co.uk
Home page: http://www.wpiran.org
Addresses:
K.A.K WPI BM Box 8927 Postfach 103137
Box 29065 Box 719, Stn. P. London WC1N 3XX 50471 Köln
10052 Stockholm Toronto, Ont M5S 2Y4 England Germany
Sweden Canada

انترناسیونال: دنباله بروز اعتراضات دانشجویان و مردم در ایران و ادامه اوجگیری این اعتراضات، مجموعه ای از فعالیتها و آکسیونها در دستور تشکیلات خارج کشور حزب قرار گرفت. هدف از این فعالیتها چیست و تا حال چطور پیش رفته اند؟

اصغر کریمی: بطور مشخص فعالیتها این دوره ما در خارج کشور اهداف زیر را در دستور داشت:

* تشدید مبارزه علیه رژیم بکمک تبلیغات گسترده و بسیج هرچه بیشتر مردم آزادیخواه از طریق سازمان دادن آکسیونها و اعتراضی هر روزه در مقابل سفارتها رژیم و در مراکز پررفت و آمد شهرها

* آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و از جمله دستگیر شدگان اخیر * بسیج افکار عمومی علیه جنایات رژیم اسلامی و در دفاع از مطالبات آزادیخواهان مردم ایران

* افشای رسانه های گروهی مدافع خانی اعم از فارسی زبان یا رسانه های محلی در اروپا و نیز افشای اخبار و دولتهای ارتجاعی اروپا و بخاطر حمایت از جمهوری اسلامی و سکوت در مقابل جنایات این رژیم

* تقویت افق رادیکال و کمونیستی در میان طیف هرچه وسیعتری از مهاجرین ایرانی و آشنا کردن بیشتر آنها با اهداف و سیاستهای حزب، در مقابل جریانهای ناسیونالیستی و اسلامی و کل اپوزیسیون بورژوازی مبارزه علیه رژیم اسلامی، علیه بیعقربوی مردم و سرکوب ایران، برای نجات و آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی و افشار مختلف مردم و کار همیشهگی حزب کمونیست کارگری در خارج کشور بوده است. در دو سه سال گذشته بمبارات رشد تحرک سیاسی مردم در داخل ایران فعالیتها حزب نیز در این زمینه گسترش قابل ملاحظه ای داشته است. و اکنون با فاز تازه مبارزه برای سرنگونی رژیم طبیعی است که فعالیتها حزب باز هم بیشتر گسترش یابد. با شروع مبارزات دانشجویان، فعالیتها ما هم پلانفاله شروع شد و ظرف ۴۸ ساعت در کشورهای مختلف تظاهراتی در دفاع از این مبارزات سازمان دادیم که با استقبال مردم مواجه شد. ظرف دو هفته بیش از پنجاه پیکیک و آکسیون در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا و کانادا و نیز در کردستان عراق سازمان داده شد. در این مدت در بعضی شهرها هر روزه پیکیکهای گذاشته میشد و از طریق رادیوهای حزبی و توزیع دهها هزار اطلاعیه و ارسال اطلاعیه به سازمانهای کارگری، رسانه ها، احزاب و شخصیتها سیاسی اوضاع ایران و مطالبات مردم به اطلاع عموم رسید. در مقابل بی بی سی و در اعتراض به سیاست های ارتجاعی این نهاد و حمایت آن از جمهوری اسلامی تظاهراتی برپا شد، دفتر سویسای دمکرات آلمان در کلن، دفتر نماینده حزب لیبرال حاکم در کانادا در ونکوور و نیز دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی در لندن توسط فعالین حزب اشغال شد. در طول این دو هفته آکسیونهای حزب در رسانه های محلی اکثر این کشورها بازتاب یافت.

آنچه در طول این دو هفته شاهد بودیم حضور بیش از پیش مهاجرین ایرانی در آکسیونهای اعتراضی و روی آوری فعال تر در سیاست و به مبارزه علیه رژیم اسلامی و همزمان علاقه بیشتر به مطالعه ادبیات حزب بود. بسیاری در این مدت با فعالین حزب تماس گرفته اند و خواهان ارتباط نزدیکتر و شرکت فعالتر در آکسیونها شده اند و هرروزه طیف وسیعتری از مردم

مصاحبه با اصغر کریمی
عضو دفتر سیاسی حزب و مسئول تشکیلات خارج کشور

فعالیت های حزب در خارج کشور
به حمایت از اعتراضات دانشجویان و مردم در ایران



اسلامی خارج کشور است. میلیونها مهاجر ایرانی در اقصی نقاط دنیا پراکنده اند و این شرایط فرصتی فراهم میکند که صدای مردم در داخل ایران را

به صف مبارزه علیه رژیم کثیف اسلامی پیوسته اند. **انترناسیونال:** این آکسیونها با توجه به سیر تحول اوضاع در داخل، به چه شکالی ادامه خواهند داشت:

ناتوس مرگ رژیم اسلامی به صدا در آمده است و جامعه ایران میروند از این کابوس بیست ساله و خفقان و بی حقوقی و فقری که بر آن حکم میراند رها شود. مهاجرین ایرانی عمیقاً خود را در این شرایط غمناک و ناامید و خشمگین میبینند. هر چه رژیم برای آنها دارد؟ **اصغر کریمی:** فراخوان ما به طیف وسیع مهاجرین ایرانی در خارج کشور این است که با توجه به اوضاع کمونی در ایران، با توجه به تحرکی که از جانب شرکهای مختلف مردم در ایران شروع شده است و امید و خوشبینی مردم به سرنگونی رژیم، بطور فعال و همه جانبه به حمایت از این مبارزات برخیزند. حال که ناقوس مرگ رژیم به صدا در آمده وقت آن است که همه آنها که این رژیم سیاه را نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

نمیخواهند فعال و پرشور به خیابانها بیایند و آواش حاکم بر یک جامعه شصت میلیونی را زیر فشار هر روزه خود قرار دهند. مردم در داخل کشور از ما انتظار دارند که با هر چه در توان داریم آنها را تنها نگذاریم. آنها در مبارزه برای سرنگونی رژیم قربانی میشوند، به زندان

کیسه های گشاد خود را پر تر کنند. فراخوان ما این است که برنامه احزاب را مردم مطالعه کنند. مطالبات و اهداف سیاسی هر جریانی با بدقت دنبال کنند. این بار مردم باید با شعارهای بسیار روشن و با مطالبات آزادیخواهانه به میدان بیایند. بیست سال رژیم مذهبی نباید جای خود را به جریانات فاشیست و آریائی، به ناسیونالیست ها و پرچم سه رنگ پرستان، به جریانات مرتجع ملی اسلامی و نیروهای مرده ای که از هیچگونه آزادیخواهی بویی نبرده اند بدهد. مردم باید برنامه احزاب

خواست مردم نه تبدیل حکومت اسلامی، بلکه سرنگونی آن است. رای دو سال قبل مردم در دوراهی ارتجاعی ناقص نوری یا خاتمی، سند ورود آنها در مقیاس وسیع و مبارزه فعال برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی

را مطالعه کنند تا با چشم روشن ببینند که برای رفاه مردم هر کس چه برنامه ای دارد، برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی و صریح و بی پرده چه میگوید، در مقابل آریائیتاد جنسی، در مقابل فقر و بیکاری، در مقابل طب و آموزش و پرورش و ساعت کار و برای آینده کودکان و معصوم و بی حقوق در ایران برنامه اش چیست. سالهای ۵۶ و ۵۷ گذشتند پس بعد از مرگ شاه و با تهدید و سرکوب و نکذاشتند مردم صاحب برنامه

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

روز دوشنبه با گسترش و رادیکالیزه شدن بیشتر مردم و جنگ خیابانی شان با گارد ضدشورش، ۱۵ جریان سیاسی جنبش دو خرداد، تظاهراتی را که از قبل در حمایت از دانشجویان برای روز چهارشنبه اعلام کرده بودند لغو کردند، در عوض سازمان تبلیغات اسلامی متعلق به جناح راست انجام تظاهرات فرمایشی سردرگمی در همان روز را اعلام کرد. طرف چند روز خامنه ای، خاصی و طرفدارانشان چند موضوع عوض کردند، ابتدا هر دو عقب نشینتند، خامنه ای با عقب تر گذاشت و عاجزان و رادیکالها نسبت به پاره شدن عکس خود توسط ظاهرکنندگان تحمل نشان داد و برای دانشجویان اشک تمساح ریخت. در مقابل، خاصی پس از چند روز به نعل و به میخ، انگشت

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

میانفتند، شکنجه و اعدام میشوند و ما در خارج کشور میتوانیم مصائب مردم در این مبارزه را بطور محسوسی کاهش دهیم. میتوانیم مبارزه آنها را تسهیل و عمر رژیم را کوتاهتر کنیم. میتوانیم حمایت دول غربی از رژیم اسلامی را متوقف کنیم و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

هزینه این شماره انترناسیونال را
رقفا مصطفی باهر، رضا کمانگر و
جمال صالح تامین کرده اند

هزینه شماره ۲۹ انترناسیونال را اعضا، دوستداران حزب و خوانندگان انترناسیونال در آلمان تامین کرده بودند که اشتباهاً آمریکا، نوشته شده بود

ایسکرا ۳۳ منتشر شد!
ایسکرا
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر: حسین مرادیکی
مستوف اجرایی: ایرج فرزند

جناح دو خرداد تحت عنوان "آفریقای حرکت ۱۸ تیر از جنبش دو خرداد" توصیف شد و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

جناح دو خرداد تحت عنوان "آفریقای حرکت ۱۸ تیر از جنبش دو خرداد" توصیف شد و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

جناح دو خرداد تحت عنوان "آفریقای حرکت ۱۸ تیر از جنبش دو خرداد" توصیف شد و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

جناح دو خرداد تحت عنوان "آفریقای حرکت ۱۸ تیر از جنبش دو خرداد" توصیف شد و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

جناح دو خرداد تحت عنوان "آفریقای حرکت ۱۸ تیر از جنبش دو خرداد" توصیف شد و در مقابل میلیونها نفر از مردم آزاده را به حمایت از خواستههای آزادیخواه مردم در ایران بیاوریم. میتوانیم آنها را در دفاع از مطالبات زنان، در دفاع از مطالبات کارگران، در دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم و علیه رژیم جنایتکار اسلامی به حرکت درآوریم و یک جنبش همبستگی بین المللی با کارگران و مردم تحت تبعیت ایران شکل بدهیم. میتوانیم رادیکالها و تلوزیون ها را نیز از دست دشمنان خارج کنیم و بر سر انتقال بخشی از قدرت به خود خود بپردازیم و با خطر براندازی کل رژیم روبرو شد و ناچار گشت از این فرصت بنفع رژیم و با جناح دیگر بر سر حفظ نظام صرف نظر کنند.

همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند!

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۲۵ تا ۲۷ ماه ژوئن ۹۹ برابر با ۲ تا ۶ تیرماه ۱۳۷۸ برگزار گردید. در این نشست، مجموعاً ۵۱ نفر، شامل اکثریت اعضا و مشاوران کمیته مرکزی حزب، گروهی از اعضای کمیته گردستان و کمیته های حزب در خارج کشور و نمایندگان از دفترسیاسی حزب کمونیست کارگری عراق شرکت داشتند.

دستور جلسه پلنوم دهم عبارت بود از:

- ۱- گزارش
- ۲- دورنمای فعالیت حزب، از گروه فشار به حزب سیاسی
- ۳- شعار جمهوری سوسیالیستی
- ۴- قرارها و قطعنامه ها
- ۵- بازبینی و تقویت همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
- ۶- نظری بر استغفاهای اخیر
- ۷- طرح سازماندهی نهادهای رهبری حزب
- ۸- اولویتها و جهت گیری ها؛ پلاتفرمی برای رهبری حزب
- ۹- انتخابات
- ۱۰- موقعیت کنونی جنبش کارگری در ایران
- ۱۱- گزارشی از اوضاع در کردستان عراق

پلنوم دهم با موفقیت این دستور کار فشرده را به انجام رساند. جمعا ۳۴ قرار و قطعنامه در پلنوم به تصویب رسید که در مجموعه جداگانه ای بطور علنی انتشار یافته است. عنوان و موضوع اهم قرارها و قطعنامه های مصوب چنین است:

- اولویتها و جهتگیری ها، پلاتفرمی برای رهبری حزب
- اصول رابطه با دولتها
- جایگاه فعالیت حزب در خارج کشور
- موازن مالی، امور اداری و انتفاعی
- بازرسی
- متن تعهدات کادرها و اعضای کمیته مرکزی
- لغو شرط داشتن دو معرف در تقاضای عضویت
- تفحص عمل کمیته تشکیلات داخل
- انتشار کارگر کمونیست بعنوان نشریه کارگری حزب
- مدرنیزه کردن سازمان حزب
- علییت اعضای کمیته مرکزی
- مقررات انضباطی برای اعضای کمیته مرکزی
- شعار جمهوری سوسیالیستی
- موازن جلسات کمیته های حزبی
- موازن امنیتی و طبقه بندی اسناد و اطلاعات
- در مورد استغفای ۵ عضو کمیته مرکزی
- طرح سازماندهی ارگانهای رهبری حزب
- تقویت همبستگی- فدراسیون سراسری پناهندگان
- انتخاب مریم نمازی بعنوان کاندید حزب برای دبیری فدراسیون پناهندگان در پایان دوره دبیری ثریا شهابی.
- انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی (تعداد اعضای مشاور کمیته مرکزی به این ترتیب به ده نفر افزایش می یابد)

پلنوم دهم بنا بر طرح جدید سازماندهی نهادهای مرکزی و رهبری حزب، تعداد اعضای دفتر سیاسی را به ۱۱ نفر افزایش داد. در انتخابات پلنوم، فاتح بهرامی، حمید تقوایی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، منصور استغفای، فاتح شیخ الاسلامی، اصغر کوریمی، اسد کلچینی، آذر ماجدی، آذر مدرسی و کورش مدرسی به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند. پلنوم به اتفاق آراء عضویت حکمت را بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب نمود.

دفتر سیاسی جدید در اولین نشست خود به اتفاق آراء حمید تقوایی را بعنوان رئیس دفتر سیاسی برگزید و به کاندیدهای پیشنهادی دبیر کمیته مرکزی برای مسئولیت های زیر به اتفاق آراء رای اعتماد داد: اصغر کریمی؛ معاون دبیر کمیته مرکزی و دبیر تشکیلات خارج کشور، کورش مدرسی؛ دبیر کمیته داخل، فاتح بهرامی؛ مسئول دبیرخانه مرکزی.

متن کامل مصوبات پلنوم دهم بطور جداگانه منتشر شده است و منتخبی از آنها همراه این بیانیه در نشریه اترناسیونال شماره ۳۰ به چاپ میرسد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ ژوئیه ۱۹۹۹ - ۱۶ تیرماه ۱۳۷۸

بخشی از مصوبات پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۹ - ۴ تا ۶ تیر ۱۳۷۸

اولویتها و جهت گیری ها

پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران
منصور حکمت

مصوب پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران (این متن به اتفاق آراء به تصویب رسید)
۴ تیر ۱۳۷۸ - ۲۵ ژوئن ۱۹۹۹

- ۱- مدرنیزه کردن ساختارها و متابولیسیم اداری و اجرایی حزب و برقراری مقررات و روشهای تعریف شده و لازم الاجرا در قلمروهای مختلف کار تشکیلاتی.
- ایجاد یک ماشین قدرتمند و یک موجودیت قوام گرفته حزبی.
- تبدیل حزب به اصلی ترین نیروی اپوزیسیون رژیم اسلامی.
- تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی بعنوان حکومتی که باید با سرنوشتی رژیم اسلامی برقرار
- عروج حزب بعنوان پرچمدار و سخنگوی طبقه کارگر و برنامه و مطالبات کارگری در صحنه مبارزات جاری در ایران.
- گسترش و تحکیم روابط مستقیم و محلی با محافل و شبکه های سوسیالیستی کارگران در داخل ایران.
- تامین حضور سیاسی، تبلیغی و سازمانی حزب در داخل کشور.
- ایجاد یک موجودیت عظیم حزبی، با نفوذ و بر دسیسه بسیار وسیع، در خارج کشور.
- دنبال کردن و به ثمر رساندن سیاستهای مختلف منتج از محبت حزب و جامعه؛ شفافیت و گشایش حزب بر روی جامعه، حضور هرچه وسیعتر شخصیتی و چهره های شناخته شده کمونیست در صحنه مبارزه اجتماعی، رشد دخالتگری حزب در کلیه کشمکشها و دجله های سیاسی بر سر آزادی و برابری و رفاه اجتماعی. قنقلم کردن حزب به مثابه یک نیروی رهبر کل جامعه، حضور حزب در تیر هرروزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده های وسیع مردم.
- ایفای نقش حزب بعنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم در سطح بین المللی.
- ایجاد روابط گسترده و محکم با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی، تلاش برای ایجاد وسیعترین همبستگی عملی متقابل میان کارگران ایران و سایر کشورها.
- گسترش بیشتر فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و حضور مسلحانه قوی و ایجاد پتانسیل گسترش نظامی سریع حزب در کردستان
- شکل دادن به یک شالوده کادری قوی مارکسیست و معرب در حزب.
- روابط نزدیک تر و یاری دهنده تر با حزب کمونیست کارگری عراق

قرا: ۱۰۲۴

موضوع: **مدرنیزه کردن سازمان حزب**

مدرنیزه کردن سازمان و کنترل و سیاست گذاری جاری، و دبیر کمیته مرکزی، در رأس یک هیات دبیران، با وظیفه رهبری سیاسی و اجرایی حزب، است: ۱- کاندیدهای دبیری کمیته مرکزی (تفصیلی شبیه دبیرکل و یا لیبر در احزاب دیگر) پلاتفرم مختلف و تضمین اجرا و تبدیل شدن آنها به قواعد جایگیر شده حزب، در حزب، وظیفه صبر رهبری حزب در این دوره است.

قرا: ۱۰۲۵

موضوع: **علییت اعضای مرکزیت**

اصل در حزب کمونیست کارگری ایران بر علنی بودن رهبران و اعضای مرکزی آن است. علنی بودن به معنای آن است که فرد با نام ثابت و چهره علنی فعالیت کند و تماس مردم با او بعنوان یک شخصیت حقیقی امکانپذیر باشد. علییت الزاماً به معنی علنی بودن آدرس و آشناسنامه و زندگی خصوصی فرد نیست. این قرار شامل اعضای کمیته خارج کشور و کمیته های کشوری در خارج از ایران است. **تفحص:** تصمیم در مورد مسئولیت کردن برخی از اعضای کمیته مرکزی نظیر به ملاحظات امنیتی و فعالیت منفی در اختیار دفتر سیاسی است.

قرا: ۱۰۲۶

موضوع: **شعار جمهوری سوسیالیستی**

نظری به ضرورت بیان هرچه ملموس تر شعارها و اهداف حزب و مبارزه رو به گسترش جاری برای سرنوشتی رژیم اسلامی، و نیاز به انتخاب یک عنوان عامه فهم برای حکومت کارگری در ایران، با شکل و موضعی که در برنامه حزب به روشنی تعریف شده است، تصویب میکند.

قرا: ۱۰۲۷

موضوع: **شعار جمهوری سوسیالیستی**

قرا: ۱۰۲۸

موضوع: **طرح سازماندهی نهادهای رهبری حزب**

تصمیم نهایی در هیات دبیران با دبیر کمیته مرکزی است. اعضای هیات دبیران موظف به پیشبرد پلاتفرم کمیته مرکزی (مصوب پلنوم) هستند. ۱- دبیر کمیته مرکزی می تواند، چنانچه مصوبه ای از دفتر سیاسی را یا پلاتفرم مصوب خود مغایر تلقی کند، حاکم ثریا دیوان را برای تجدید نظر به اجلاس دفتر سیاسی پس بفرستد. در صورت پاسکاری دفتر سیاسی بر اجرای مصوبه دو دور سوم، دبیر کمیته مرکزی موظف به اجرای مصوبه و یا فراخوان دادن به پلنوم کمیته مرکزی است.

قرا: ۱۰۲۹

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۰

موضوع: **طرح سازماندهی ارگانهای رهبری حزب**

تصمیم نهایی در هیات دبیران با دبیر کمیته مرکزی است. اعضای هیات دبیران موظف به پیشبرد پلاتفرم کمیته مرکزی (مصوب پلنوم) هستند. ۱- دبیر کمیته مرکزی می تواند، چنانچه مصوبه ای از دفتر سیاسی را یا پلاتفرم مصوب خود مغایر تلقی کند، حاکم ثریا دیوان را برای تجدید نظر به اجلاس دفتر سیاسی پس بفرستد. در صورت پاسکاری دفتر سیاسی بر اجرای مصوبه دو دور سوم، دبیر کمیته مرکزی موظف به اجرای مصوبه و یا فراخوان دادن به پلنوم کمیته مرکزی است.

قرا: ۱۰۳۱

موضوع: **در مورد جایگاه فعالیت حزب در خارج کشور**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۲

موضوع: **همبستگی- فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۳

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۴

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۵

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۶

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۷

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۸

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

قرا: ۱۰۳۹

موضوع: **انتخاب مریم نمازی بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی**

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، با تصویب این قرار، مریم نمازی را بعنوان کاندید رسمی حزب کمونیست کارگری ایران برای احراز سمت دبیری فدراسیون در کنفرانس آتی این سازمان برگزیند.

تیراژ این شماره نشریه اترناسیونال در خارج کشور ۳۰۰۰۰ نسخه است.

× این شماره در کلاندا ۶۰۰۰ نسخه در آمریکا ۴۰۰۰

و در اروپا ۲۰ هزار نسخه توزیع میشود.

× هزینه بازنشانی اترناسیونال در آمریکا توسط فعالین حزب در آمریکا تامین میشود.

× اترناسیونال برای توزیع در داخل ایران بصورت ریز چاپ میرسد.

× اترناسیونال در کردستان عراق نیز بازنشانی میشود.

جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود

مصاحبه با منصور حکمت درباره رویدادهای اخیر ایران

انترناسیونال: شش روزی که رژیم اسلامی را لرزاند، توصیف گویائی برای رویدادهای اخیر است، که به نظر خیره کننده و بیسابقه ای نفوذ عمومی علیه جمهوری اسلامی و آژانگی توده مردم برای برخاستن و دروداری رادیکال با رژیم را روی صحنه خیابانها آورد. تأثیرات این خیزش بر رابطه آتی مردم و رژیم را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: این رویدادها اثبات حقیقی بود که ما برخلاف تصورات و تبلیغات اپوزیسیون و رسانه های خائنی که بر آن تأکید داشتیم و این است که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند. خواست مردم نه تعدیل حکومت اسلامی، بلکه سرنگونی آن است. رای و دو سال قبل مردم در دوره ای ارتجاعی ناظر نوری یا خاتمی، سند ورود آنها در مقیاس وسیع به مبارزه فعال برای اصلاحی از شر جمهوری اسلامی بود. این رای خائمی نبود، رای علیه رژیم، علیه اسلام و اسلامیت، علیه اختناق و سرکوب، علیه فرهنگ ارتجاعی و تحمیلی، علیه فقر و نابرابری و بیعقوبتی در ایران امروز بود. جمهوری اسلامی رفتنی است. این آغاز بافعل موج مبارزات وسیع و علفی ای در ایران است که بی نتیجه اجتناب ناپذیر آن سرنگونی رژیم اسلامی خواهد بود. با این رویدادهای اردوی سرنگونی طلایی در ایران، که ایما یک اردوی یک دست و همه با هم نیست و نخواهد ماند، بعنوان یک جنبش علفی و مردمی اعلام موجودیت کرد. از این تاریخ، حکم قدسی ما که که جنابهای جاری سیاسی در ایران نه دو طرف (طرف ای - خائمی)، بلکه سه طرفه ای است، یک قیقت قابل انکار و ناپوشته شده محسوب میشود. چنانچه مردم علیه رژیم اسلامی، آن عاملی است که این جناحها را در جستجوی چاره بچان هم انداخته است. رویدادهای اخیر اعلام موجودیت مستقل و علفی یک جنبش مردمی برای سرنگونی بود. این نظر من بر روش و رفتار جناحهای حکومت، احزاب سیاسی و خود مردم در ماههای آتی تأثیرات تعیین کننده ای خواهد داشت. جالب است که این میان الفاظ و اصطلاحات رایج تا دیروز چگونه بسرعت کهنه شدند و تصاویر و شمایل های سیاسی میان میدان چگونه درگذرگ شدند. خود حکومت از خطر "براندازی" و "ختم نظام" گویا از بیخ گوش رژیم گذشته است صحبت میکنند. عبارت جامعه مدنی بیای گم و کور شد، خائمی برضی معتزترین رجزخوانی کرد و خامنه ای برای دانشمندان اشک ریخت. رسانه های غربی خائمی و ژوئالیستهای که گویو فروختن خائمی به مردم ایران جزو تعریف می شده شان بود، یکبارگی انقلاب را تئیر کردند. در ایران، رسانه علنا به رژیم اسلامی اعلام جنگ دادند. حکم سرنگونی رسمی به رژیم اعلام شد. این به جنبش اعتراضی و موج اعتراضات آتی، اعم از اعتراضی و تظاهراتی و خیابانی، یک هورت کاملا متمایز از جناحهای حکومت میدهد.

نقطه جوش میرسد، دو ماه دیگر مدارس باز میشود و به احتمال قوی دوش آموزان پس از این ایستادگی و طولانی شدت معترض و سیاسی خواهند بود. و مهم تر از همه تارخاضتی شدید و غیر قابل مهار طبقه کارگر و توده مردم از اوضاع اقتصادی است. دوره بسیار پرتلاطمی در راه است.

انترناسیونال: بعضی از شروع یک انقلاب سخن میگویند. آیا این انقلاب است؟ آیا انقلاب ۵۷ در دوردن گذار میشود؟ چه تشابهاتی میان جنبش امروز و آن انقلاب می بینید؟ چه تصویر استراتژیکی می بینید؟

منصور حکمت: آنچه الان در جریان است یک انقلاب نیست. می تواند شروع یک انقلاب باشد، و می تواند نباشد. نظر من عدم تشابه میان اوضاع این دوران با انقلاب ۵۷ در مراتب بر تشابهات آنها می چربد. آنچه ما شاهدیم شروع جنبش توده ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. من تردیدی ندارم که این جنبش پیروز میشود. یعنی رژیم در ادامه جنبش جاری برکنار میشود و جای خود را به چیز دیگری میدهد. اما یکبار برن مقلوبه انقلاب برای این جنبش این اشکال را دارد که تصاویر و معادلات

و احزاب اپوزیسیون غیر مجاز و ناراضیان فعال در ایران وجود دارد. اسم این را ظاهرا توافقی بر سر گذار از تابستان مشکوک گذاشته اند. می خواهند این دور در میان خود مساوی اعلام کنند و توافق کرده اند که باید به این منظور از مردم و معترضین قربانی بگیرند و جامعه را از اعقاب کنند. بسپح نیروی زیاد و تلاش زیادی لازم است تا مردم و همه ما کاری کنیم که کسانی نظیر منوچهر محمدی، محمدرضا مهاجری نژاد، مریم شائری، کارزویی و دیگر دستگیر شدگان جان سالم از دست این اوپاش در برآید. اما نتیجه این زورآزمایی مشخص هرچه باشد، سرکوب وسیع و به خانه فرستادن مردم در حیطه امکانات آنها نیست. (اجازه بدهید مباحثا توجه خوانندگان انترناسیونال را به کمپین وسیع حزب در دفاع از دستگیرشدگان اخیر و همه زندانیان سیاسی جلب کنم. به این کمپین بپیوندید.)

مهمترین عامل در ناتوانی رژیم از میلیتاریزه کردن کامل اوضاع، وضعیت اقتصادی است. چنانچه مردم به نشان رسیده است، تورم پیاده میکند. ماههاست دستمزد بخشهای وسیعی از کارگران را ندادند. و سببه آن کم داده اند، با آن نرخ دستمزد امکان برخورداری از حداقل معاش، غیر ممکن است. مستقل از رویدادهای اخیر طبقه کارگر و زحمتکشان و حقوق بگیران جزء دارند میباید تا تکلیف مساله معاششان را روشن کنند. حکومت مروضیت و خائمیته، فقط می تواند رژیم را در عین حال با عصبانیهای عظیم شهری، نافرمانی علفی و توده ای در بخشهای مختلف جامعه، ورود یکسره مردم به فاز نظامی و جنگ خیابانی علیه حکومت مواجه کند. نمیتوان میلیونها انسان را هم گرسنگی داد و هم برایشان شلیک کرد. همانطور که گفتم از این اوپاش هر کاری برمایید، اما تأتیک کورتا و حکومت نظامی از تشیک محکوم خائمی چه ها میگوید به تابوت خود حکومت خواهد بود.

انترناسیونال: خائمی و همه تشکیلات و شریات موسوم به جنبش خود خرداد شامل جوهلات دانشجویی وادست به این جنبش نظیر دفتر تحکیم وحدت و تشکیلاتی اسلامی دیگری که در دانشگاه فعالیت میزدند، بسرعت حمایت اولیه شان از حرکت اعتراضی دانشجویان در قبال سرکوبگری نیروهای انتظامی را پس گرفتند و همصدا با خائمی ای و انصار حزب الله و نافذ تودی و جنتی و غیره خواهان سرکوب این خیزش رادیکال شدند. این موردی از "خود خائمیها" در حالت بحظر اذعان نظام بود. عین حال کشمکش جناحها بر سر نحوه مقابله با طوفانی که رژیم را لرزاند و تحکیم موقبت خود در جریان مقابله با این طوفان همچنان ادامه دارد. چشم انداز کشمکش حاضر درون رژیم را چگونه می بینید؟

منصور حکمت: نظر من این است که جناحها و صف بندی آنها در مقابل هم نه فقط سرعایش هست، بلکه با این رویدادها تشدید هم

عملی این تعبیر از روند اوضاع میشود و باید خیلی بیشتر صحبت کرد.

انترناسیونال: آیا بنظر شما حزب کمونیست کارگری آماده ورود به این دوران و ایفای نقش هست؟

منصور حکمت: بنظر من اگر هم آماده نباشد، بهرحال آماده ترین است. این رویدادها دارند بر حقانیت نگرش ما به اوضاع و مسیری که طی کردیم تأکید میکنند. بنظر من با سازمان سیاسی نساخته ایم که وجدانمان را راحت کنیم، فشاری به این و آن بیآوریم، و داور تاریخ و تماشای بازیگران اصلی آن در باشیم. حزب ما که ساخته این که جدال بر سر سرکوبت انسانهای معارض خودمان شروع کنیم و پیروز بشویم، یک عده کمونیست کارگری هستیم، مساوات طلب عدالت طلب و مساوات خواه هستیم و میخواهیم مساوات و عدالت و آزادی را به اجرا در بیآوریم. اگر الان نوبت نقش بازی کردن ما نباشد، هیچوقت نیست. تمام تلاش سالیان سال جنبش ما برای شفافیت بخشیدن به جنبش کمونیسم، دفاع از مارکسیسم، دستیابی به برنامه روشن کردن تاکتیک ها، یافتن انسانهای کمونیست و انقلابی و متحد کردن و متحد نگه داشتن شان



این دوران برای ما نه فقط دوران مبارزه برای سرنگونی، بلکه دوران بسپح طبقه کارگر برای ایجاد یک صف مستقل و حزبی برای ادامه مبارزه تا برقراری حکومت کارگری و خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است.

رویدادهای اخیر اعلام موجودیت مستقل و علفی یک جنبش مردمی برای سرنگونی بود. این نظر من بر روش و رفتار جناحهای حکومت، احزاب سیاسی و خود مردم در ماههای آتی تأثیرات تعیین کننده ای خواهد داشت.

بعنوان کاردها و رهبران کمونیست یک جنبش و یک جامعه، جمال ناسازگار از انسانیت و عدالت و آزادی، تمام دوندگی ها و خطر کردنها و کشته شدن ها و شکنجه کشیدنها و جنگندگی ها و جلد گرفتن ها و جر و بهتنها و برای ای سیگار خوردنهای ما برای این است که برای چنین دوره ای حزبی ساخته باشیم که بتواند در این جدال واقعی در جامعه نقش بازی کند. ما اینکار را کرده ایم. این حزب را ساخته ایم. بیست سال است داریم این سلاح را میسازیم و صیقل میدیم تا بتوانیم چنین روزی با آن جنگ کنیم. برای ما آن دوران عمل است. دوران جذب نیرو است. دوران رشد است. دوران تبلیغات وسیع است. دوران دست سازمانگری است. دوران آمان ریزی صحنه سیاست و دخالتگری است. حزب ما برای چنین روزی از نظر فکری، برنامه ای، سیاسی، تشکیلاتی و حتی روحی آماده شده است. تحولات چند سال اخیر برای ما مقدمات انتقال از یک گروه فکری و یک گرایش فکری و یک حزب تمام عیار، سیاسی بوده است. به این عنوان ما آماده ایم.

بنظر من این دوره در ایران دوره تحزب خواهد بود. چه برای راست و چه برای چپ. کمونیست منفرد همسایه خوبی است. اما دخالت در سیاست به نفع انقلاب کارگری و کمونیسم، آنهم در جدالی که اکنون در ایران درخ میگیرد، نیاز به شکل بندی است. نیاز به تشکیلاتی دارد که بدون این کار بخورد. در نتیجه بنظر من وقت آنست که همه همسایه های خوب ما به یک تشکیلات کمونیستی بپیوندند. به نیروی آنها احتیاج داریم. بعد از پیروزی و بعد از استقرار دوباره فرصت کافی برای متفرق شدن است. الان وقت حزبیت است.

اوچگیری جنبش کمونیستی کارگری و قرار گرفتن آن در راس جنبش اعتراضی باعث تجدید آرایش در طبقه کارکمه و پیدایش دولت بزرزویی جدید بجای رژیم اسلامی خواهد شد که بتواند از موضعی قوی تر در برخورداری از حمایت وسیع تر در درون خود طبقه بزرزوا چه در ایران و چه در سطح بین المللی، با عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران مقابله کند. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی ممکن است دروقتی برای اجتناب از انقلاب کارگری، یا برای مقابله با آن، توسط خود بزرزویی کنار زده بشود.

بهرحال فاکتورهای زیادی در رویدادهای آتی دیدند. آنچه من میخواهم تأکید کنم اینست که این مبارزه کاندشتر، پیچیده تر و چندوجهی تر از مبارزه علیه رژیم سلطنت است. حتی با سرنگونی رژیم اسلامی همه نیروها، حتی تشکیلهای ای خود تشکیلهای سرنگون شده، برای ادامه جنگ قدرت و تعیین تکلیف نهایی نظام سیاسی و اقتصادی در ایران همچنان در صحنه میمانند. حزب کمونیست کارگری باید این پیچیدگی را در سیاست عملی و تاکتیکی و اولونتهای سازمانی خود دخیل کند. این جنبش هدف ماست. اما پایان کار نیست. نیروهای تعیین کننده تری در راه خواهد بود. امروز متشکل کردن این دوران برای ما نه فقط دوران مبارزه برای سرنگونی، بلکه دوران بسپح طبقه کارگر برای ایجاد یک صف مستقل و حزبی برای ادامه مبارزه تا برقراری حکومت کارگری و خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است. راجع به معانی

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

آکسیون سراسری حزب کمونیست کارگری ایران

در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد کارگران،

نامنی محیط کار و فقدان حق تشکل و اعتصاب در ایران

در ادامه کمپین تشکلات خارج کشور حزب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد کارگران، نامنی محیط کار و فقدان حق تشکل و اعتصاب در ایران، که بخشی از گزارش آن در انترناسیونال ۲۹ دوج شد، تشکلات خارج حزب، روز جمعه ۴ ژوئن مجموعه آکسیونی در اعتراض به بی حقوقی کارگران، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و نامنی محیط کار در ایران در لندن (انگلستان)، کلن، برلین و هامبورگ (آلمان)، استکهلم، گوتنبرگ و مالمو (سوئد)، هلنسینکی (فنلاند)، السو (نروژ)، کپنهاگ (دانمارک) و تورنتو و ونکوور (کانادا) برگزار کرد. در تعداد دیگری از کشورها اطلاعیه های حزب در مورد مروج شدن کارگران نفت و عدم پرداخت دستمزدها برای اتحادیه ها و احزاب و سازمانهای سیاسی ارسال گردید. تظاهراتی های اعتراضی در مقابل دفاتر سازمان جهانی کار، کنسول گریه های اتحادیه های کارگری و یا در مراکز پرترت و آمد شهرها برگزار شد. کارهای حزب در این میتینگ ها، در مورد وضعیت کارگران ایران، نامنی محیط کار و سوختن کارگران نفت در اهواز، و مبارزات طبقه کارگر ایران سخنرانی کردند. با نمایندگیان سازمان جهانی کار نشستهای معمل آمد و به حضور نمایندگان رژیم و شوراها اسلامی در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار اعتراض شد. نمایندگان این سازمان قول دادند که اعتراض حزب و قطعنامه این تظاهرات را به اطلاع نمایندگان حاضر در اجلاس جاری سازمان جهانی کار برسانند.

قول دادند که همکاریهای بیشتری با واحدهای حزب در دفاع از حقوق کارگران ایران بعمل آورند. این آکسیونها در بسیاری از روزنامه ها و رادیوهای فارسی زبان نیز منعقد شد و در اهواز، همزمان در شهرهای مالمو، گوتنبرگ و استکهلم تظاهرات شد. در استکهلم هیات مرکزی از سیامک بهاری دبیر کمیته استکهلم و خلیل کیوان مسئول تشکلات سوند،

سیامک بهاری



با Ragne Beiming مسئول بخش بین المللی LM و ملقات و گفتگو کردند. هفته نامه سوئدی زبان LM مورخ ۱۱ ژوئن، گزارش تظاهرات استکهلم و این ملقات را منعکس کرد. طبق اطلاعیه شماره ۹ در نتیجه این تماس، LO کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری سوئد، نامه اعتراضی به سفارت جمهوری سوئد نوشت. همچنین در نتیجه تماس ناصر شیشهگر از فعالین حزب در مالمو با احزاب و سازمانهای کارگری، بخش ۱۲ اتحادیه کارگران حمل و نقل سوئد طی نامه ای به حضور نمایندکان رژیم اسلامی در کنفرانس جهانی کار اعتراض کرد.

اطلاعیه شماره ۱۰ خبر میدهد که اتحادیه های کارگری آلمان، نروژ، و آمریکا نیز از کارگران ایرانی حمایت کرده اند. در کنفرانس که ۳۰ مه ۹۹ در شهر کلن آلمان به ابتکار کارگران اتحادیه های کارگری شد و بیست و یک نفر از رهبران اتحادیه ها و تشکلات کارگری از اروپا، آمریکا، روسیه، و کشورهای آمریکای لاتین شرکت داشتند، جلا محمود زاده در مورد کمپین دفاع از کارگران نفت در سال ۹۷ صحبت کرد. کتاب فقط آمریکا طی قطعنامه ای رژیم اسلامی را محکوم کردند، نمایندگان اتحادیه های بیارستانهای ونکوور و اتحاد علیه کار کانادا و میتینگ ها سخنرانی کردند و تعدادی از اتحادیه های کارگری

سخنرانی کرد و قطعنامه ای در مورد پرداخت فوری دستمزدهای عقب افتاده، تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان واقعی کارگران و آزادی بدون قیدو شرط بیان و حق تشکل به کنفرانس ارائه کرد که مورد حمایت و تصویب شرکت کنندگان کنفرانس قرار گرفت. همچنین بنیال تاسم فعالیت های حزب کمونیست کارگری با شورای کارخانه توریتا در کلن آلمان، گنورگ ولتر و چهار عضو دیگر این کارخانه و چهار عضو شورای این امضای این قطعنامه و تصویب آن، از مطالبات کارگران در ایران حمایت کردند. در نروژ نیز فرادسیون اتحادیه های کارگران نفت (OFS)، طی نامه ای به سفیر ایران در السو، اعلام کرد که دولت شما هر روزه حقوق انسانی را نقض میکند و رفاه بین المللی را زیر پا نهاده است. تراجو نوساد رهبر این فرادسیون تاکید کرد که دولت ایران باید فوراً دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت کند و در قوانین سازمان جهانی کار مبتنی بر آزادی اجتماعات و قراردادهای دستجمعی احترام بگذارد. در آمریکا نیز جمعی از فعالین و رهبران کارگری در یک پیام همستگی به کارگران ایران جمهوری اسلامی را بخاطر تحویل بیست سال بیحقوقی به کارگران سرکوب آنان محکوم کردند و از مبارزات کارگران در ایران پشتیبانی کردند.

اطلاعیه شماره ۱۱ حاکی از خشم، ت. ژ. ت. از ناپسندی شرایط کار در جمهوری اسلامی است. فرادسیون کشوری صنایع شیمیایی ت. ژ. ت. که از نیروموتدترین بخشهای این سندیکا است طی نامه ای به امضای دبیر این سندیکا به خاتمی نوشت: "سازمانی دیگر با عواقب فاش آوار انسانی بهنگام تعمیر خطوط گاز در کشور شما روی داده است. این رویداد، که به دنبال تعداد زیادی حوادث مشابه در بیست و یک نفر از رهبران اتحادیه ها و تشکلات کارگری از اروپا، آمریکا، روسیه، و کشورهای آمریکای لاتین شرکت داشتند، جلا محمود زاده در مورد کمپین دفاع از کارگران نفت در سال ۹۷ صحبت کرد. کتاب فقط آمریکا طی قطعنامه ای رژیم اسلامی را محکوم کردند، نمایندگان اتحادیه های بیارستانهای ونکوور و اتحاد علیه کار کانادا و میتینگ ها سخنرانی کردند و تعدادی از اتحادیه های کارگری

فرادسیون کشوری صنایع شیمیایی ت. ژ. ت. حمایت خود از کارگران قربانیان این سانحه را تجدید می کند و از شما می خواهد که سریعاً برای اتخاذ تدابیر لازم و اجرائی بلاواسطه آنها در کشور توسط دولتتان، مانده نامید. طبق اطلاعیه شماره ۱۲ ت. ژ. ت. که یکی از موثرترین سندیکاهای کارگری غرب است، کارخانه توریتا در کلن آلمان، گنورگ ولتر و چهار عضو دیگر این کارخانه و چهار عضو شورای این امضای این قطعنامه و تصویب آن، از مطالبات کارگران در ایران حمایت کردند. در نروژ نیز فرادسیون اتحادیه های کارگران نفت (OFS)، طی نامه ای به سفیر ایران در السو، اعلام کرد که دولت شما هر روزه حقوق انسانی را نقض میکند و رفاه بین المللی را زیر پا نهاده است. تراجو نوساد رهبر این فرادسیون تاکید کرد که دولت ایران باید فوراً دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت کند و در قوانین سازمان جهانی کار مبتنی بر آزادی اجتماعات و قراردادهای دستجمعی احترام بگذارد. در آمریکا نیز جمعی از فعالین و رهبران کارگری در یک پیام همستگی به کارگران ایران جمهوری اسلامی را بخاطر تحویل بیست سال بیحقوقی به کارگران سرکوب آنان محکوم کردند و از مبارزات کارگران در ایران پشتیبانی کردند.

اطلاعیه شماره ۱۱ حاکی از خشم، ت. ژ. ت. از ناپسندی شرایط کار در جمهوری اسلامی است. فرادسیون کشوری صنایع شیمیایی ت. ژ. ت. که از نیروموتدترین بخشهای این سندیکا است طی نامه ای به امضای دبیر این سندیکا به خاتمی نوشت: "سازمانی دیگر با عواقب فاش آوار انسانی بهنگام تعمیر خطوط گاز در کشور شما روی داده است. این رویداد، که به دنبال تعداد زیادی حوادث مشابه در بیست و یک نفر از رهبران اتحادیه ها و تشکلات کارگری از اروپا، آمریکا، روسیه، و کشورهای آمریکای لاتین شرکت داشتند، جلا محمود زاده در مورد کمپین دفاع از کارگران نفت در سال ۹۷ صحبت کرد. کتاب فقط آمریکا طی قطعنامه ای رژیم اسلامی را محکوم کردند، نمایندگان اتحادیه های بیارستانهای ونکوور و اتحاد علیه کار کانادا و میتینگ ها سخنرانی کردند و تعدادی از اتحادیه های کارگری

چه کسی لرزید؟

"شش روزی که جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد"، فقط جمهوری اسلامی را نلرزاند. از سی ان و بی بی سی تا متخصصان سیاست خارجی دستگاه کلبیتون تا انواع دیگر خاتمی زده ها و ناباوران به انقلابی که در بطن جامعه ایران رشد میکند را "به لرزه درآورد" انقلاب دوم ایران؟، این تری رتی جلد اکونومیست، به سوال اساسی تمام دنیای سیاست و ناظران از چپ و راست تبدیل شد. همه از خود پرسیدند آیا جمهوری اسلامی دارد می افتد؟ ناگهان ژورنالیستهای محترم و عالیجنابان سیاستمدار میجور شدند که علاوه بر "خاتمی رفیمست" و "خاتمی ای محافظه کار"، از نیروی سومی در سیاست ایران و درباره "انقلاب" و "سرنوشت" جمهوری اسلامی بحث کنند. در اپوزیسیون رژیم اسلامی، بسیاری برای آنکه از قافله عقب نمانند باشند به سرعت شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را در اجتماعات خود تکرار کردند، و با بیانیه ها و اعلامیه های خود آوردند. اینکه اینها در مورد "شیخ انقلاب" چه گفتند و یا چگونه برخی تلاش کردند که از همین ابتدای راه با "بخت بعد از جمهوری اسلامی" و غیره به تدارک مقابله با انقلاب برخیزند خود بحث دیگری است. اما تا همینجا برای جوانانی که به

انتخاب های نظم نوینی

مباران وحشیانه ۱۱ هفته ای یوگسلاوی سرانجام پایان یافت. اما این هنوز پایان مصلحتی، نیست. نظم نوین به مردم بالکان ارزانی داشت، نیست. آنها که کارخانه، نیروگاه، برق، تاسیسات آب شهری، بیمارستان و خانه های مسکونی، پل و جاده و مینی بوس و تراکتور بربرشان خراب شد، آن میلیونها که بی خانمان شدند، آن هزاران نفر که کشته شدند، آنها که حالا با همسایه شان دشمن خونی شده اند، آن بچه هایی که به مدرسه نرفتند و حالا که بر میگردند درس کینه توزی به یک مردم دیگر را می آموزند، دیگر چندان مورد علاقه رسانه ها نیستند. اینها در بهترین حالت باید یکی دو نسل جان بکنند تا شاید صدمات مادی و معنوی این جنگ را جبران کنند. در جبهه مقابل اما دعوا بر سر این بود که چه کسی پیروز شد. کلبیتون رجز خواند که "ما آماده ایم در هر جای دنیا چه در اروپا و یا آفریقا" وارد عمل شویم، اما اکونومیست نوشت

"حسین پارتی"

یکی از نشریات "جناح راست" جمهوری اسلامی با عصبانیت فراوان والا سراسر داده بود که طی مراسم مذهبی محرم در ارومیه دختران و پسران حرامس در مسجد پرده حائل بین بخش زنانه و مردانه را برداشتن و "قاپی" شدند. مسافران از تهران آمده نیز گفتند که جوانان تهران عزاداری محرم را "حسین پارتی" لقب داده اند و عملاً آن را به محل ملاقات عشاق تبدیل کرده اند. برخی لاید این چیزها را می بینند که میگویند "املاک ملن" دارد یا به صحنه میگردد! (مثلاً در مسجد هم مثل کلیسا زن و مرد باهم هم می نشینند و یا در محرم دختر و پسر باهم



مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

برای انترناسیونال

مصطفی صابر

خیابان آمدند، کارگانی که در دو سه سال گذشته صدها اعتصاب و راهپیمایی و نمایش های سیاسی برپا کردند، زنانی که زیر حجاب و تعیض نفرت انگیز اسلامی بسب اعتراض اجتماعی را حمل میکنند، یک پیروزی بدست آمد: دوره "مرگ بر جمهوری اسلامی" بطور قطع آغاز شده است. دو سال و نیم پیش وقتی خاتمی آمد، بخش اعظم اپوزیسیون خاتمی چی شد. در اپوزیسیون آمریکا رژیم فقط ما کمونیستها با شدت و قاطعیت به اشاء، خاتمی و خاتمی چون پرداختیم و بر لزوم سرنگونی کل رژیم اسلامی پای میفشردیم. (و در این راه با پرورده سازی های ضد کمونیستی درافتادیم، مالیخولیا "آزادی بیان" جمهوری اسلامی بحث کنند. در اپوزیسیون رژیم اسلامی، بسیاری برای آنکه از قافله عقب نمانند باشند به سرعت شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را در اجتماعات خود تکرار کردند، و با بیانیه ها و اعلامیه های خود آوردند. اینکه اینها در مورد "شیخ انقلاب" چه گفتند و یا چگونه برخی تلاش کردند که از همین ابتدای راه با "بخت بعد از جمهوری اسلامی" و غیره به تدارک مقابله با انقلاب برخیزند خود بحث دیگری است. اما تا همینجا برای جوانانی که به

که این جنگ "برنده قطعی" نداشت. برخی گفتند که "برنده جنگ ناتو بود". اما در نیویورک تایمز آمد که اگر پیروز شده ایم پس چرا جشن نمی گیریم؟! سوال کرد آیا حالا آمریکا در نزد مردم جهان محبوبتر شده است یا هنوز؟! صدر اعظم مسیول دمکرات آلمان شاید از هم صریحتر اعلام "پیروزی" کرد: راست ترین برنامه اقتصادی که متضمن حمله به بیمه بیکاری و بازنشستگی کارگران و سخاوتمندانه ترین تخفیف مالیاتی به شرکتها بزرگ است را ارائه داد. چه وقتی بهتر از حالا!

قسه می زند؟! هر کار که بکنید اینها چار دست و پا شرفگرای و کهنه پرستی روی زمین می آیند. این اخبار قبل از هر چیز دلم را ریش کرد. بیچاره دختر و پسرهایی که برای ملاقات و لذت دیدار یکدیگر با یکدیگر به محرم و مسجد بروند. در عین حال یک چیز دیگر را هم بیشتر روشن کرد. اسلام که توسط ادولوتوری و سرکوب دولت حاکم است، در یک سو بیرون نسل جوان علنا و رودروی حکومت به ریشخند گرفته میشود. اسلام بعنوان یک سلاح حکومت و کنترل دیگر بوسیده است. این دیگر حکومت شک است که گنبدیده است. به صر در تغییر توازن قوای سیاسی، مقابله با یکبارگی و عدم پرداخت دستمزد اینست کارفرمایان و دولت بیرون بکنند.

این راهش نیست

در اواخر اردیبهشت یکی از کارگران بیکار شده با لایشگاه آبادان برای جلب توجه به خواست و مطالبه خود به خوزدی زد و در برابر اداره کار پای خودش را شکست. ۱۳۰۰ کارگر با لایشگاه که بیش از یکسال است چندین بار تظاهرات را راهپیمایی علیه بیکارسازی برپا کرده اند و مثل میلیونهای دیگر با فلاکتی بی سابقه دست و پنجه نرم میکنند، البته به شدت عصبانی اند! اما فکر میکنم همه آنها با من موافق باشند که خوزدی راهش نیست. (قبلا مرادی از خود سوزی کارگران در اعتراض به بیکاری، مثلاً در تبریز، گزارش شده بود). راهش اتحاد و مبارزه گسترده تر است. هم اکنون وسیعترین بخش های طبقه کارگر با دیوبیکارسازی و عدم پرداخت دستمزد روبرویند و دست به مبارزه

"هدشار" بود: تصویب این طرح "تاریخاتی" ایجاد میکند. بحران می آفریند. سران جمهوری اسلامی نظیر خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی با احتیاط از درگیری علنی در این مجادله اجتناب کردند. تردید و خوف از عواقب و عوارض حذف کارگاههای سه نفره در بین سران رژیم آستا بود. برای رژیم اسلامی که تا خرخره در بحران اقتصادی و سیاسی فرو رفته، برای رژیمی که روز روز با اعتراضات مردم، با اعتراضات و حرکات اعتراضی گسترده کارگران روبروست، اتحاد چنین تصمیماتی البته ترسناک است، خصوصاً اینکه اول هم اسام جتیب و جوش وسیعی را در بین کارگران نشان داد و این واقعیت را پیش روی رژیم و ارگانهای سرکوب و کنترلش نظیر خانه کارگر گرفت که هر چیزی از

مصطفی صابر

یک روز هم دوام نخواهد آورد!

مجلس اسلامی کلیات طرح حذف کارگاههای سه نفره از قانون کار اسلامی را روز سه شنبه ۱۸ خرداد تصویب کرد. اما روز بعد، چهارشنبه، آرا مسکوت گذاشت. مصطفی صابر که یک روز دوام آورد تا آنجا که من میدانم این در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است. چه چیزی باعث شد تصمیم مفتخورها، دلخواه و شایدهایی که آن جا جمع شده اند، یکشنبه تغییر کند؟ مدافعان طرح (جناح رسالت)، بخشی از دولت، بخشی از بازار کار، صاف و ساده خواهان این بودند که حدود ۳ میلیون کارگر کارگاههای کوچک رستا و علنا و به شرایطی رانده شوند که برای مثال بیش از یک میلیون کارگر افغانستانی ساکن ایران فی الحال به آن چارند: پردگی مطلق، پردگی مطلق میل و اراده هر کارفرمای منفرد. فقدان هرگونه محدودیت ساعت کار، فقدان حداقل دستمزد

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

دور آتی مال کارگران است



نظام جمهوری اسلامی ایران، بدجوی دارد ثلوث بایزید! از برای خیمه شب بازی متضحکی که با شرکت اپوزیسیون و گرداندیش خودی راه انداخته اند، در نه صحنه تراز این جک و جانورانی که وحشت سرنگونی خواهیاشان را کابوس کرده و آنها را به جان هم انداخته، پیشروی مدام یک جنبش آزادی خواهی حقیقی به چشم می خورد که دیگر هیچ چیز نمی تواند جلوی آن را بگیرد. ناقص نوری در مراسم سالگرد هفت تیر می گوید: در حال حاضر ما در وضعیت جنگی قرار داریم. .. تا زمانی که اسلام، استقلال ایران و ولایت فقیه در اس این انقلاب است، دشمنی با این انقلاب ادامه خواهد داشت. سرنگون نویسی کیهان، ماهیت این جنگ را به روشنی بیان می کند: "تیره هویت به شدت ادامه دارد و رایجی هر کس باید جایگاه خود را در لایحه در دو سوی این مبارزه حسنت و جو کند و ببیند که آیا نیزه داری در اردوگاه دفاع از هویت ضدیتنی در کشور خوشی است یا زرمنده ای که همچون شیطان هفت تیر به دفاع از هویت اسلامی، انقلاب و ایران عزیز برخاسته است".

از این صریح تر و موجزتر نمیتوان گفت که آنچه در ایران امروز میگذرد، مساله دعوای خنجاها نیست، بلکه مبارزه بین "هویت ضدیتنی" و "هویت اسلامی است؛ مبارزه ای که تا اسلام بر سر کار و جمهوری اسلامی برقرار است، ادامه خواهد داشت. اردوگاه آزادی و مدرنیسم در مقابل استبداد و حکومت مذهبی، آری،

چشم انداز وضعیت کنونی

تحركات وسیع تر و علنی تر دو سه سال اخیر، در عین اینکه اهمیت جنبش هایی مثل زنان و

دانشجویی در گرو ابراز وجود گرایشات مستقل از جناحها بویژه گرایشات چپ رادیکال و کمونیستی در میان دانشجویان و دانشجویان گسترده تری از دانشجویان در اعتراضات است. (۱) گرایش ملی گرایی در میان دانشجویان که توسط منوچهر محمندی و دوستانش نمایندگی می شود، برادر دوقولی اسلامین وابسته به رژیم است که امروز، به علت انزوی اسلامین و رژیم، سعی می کند از آنها فاصله بگیرد. اما در چشم انداز، اهداف، شیوه های سازمان دهی و عمل، تا حد معینی می تواند جلو رود؛ حتی که از سطح فی الحال موجود آژانگی اعتراض در جامعه بسیار عقیدت است.

در مورد هنرمندان و یا مشخص تر نویسندگان، کار از این هم مشکل تر است! علاوه بر محدودیت جایگاه و کم تاثیر بودن ماهوی نویسندگان و هنرمندان در رهنمایی سیاسی- اجتماعی جوامع، این گروه در ایران امروز شاید در انزوا از تحركات و جنبش های آزادی خواهی مردم و گرایشات پیشرو قرار گرفته است. نباید فراموش کرد که در مقاطعی که مثلا نویسندگان در چارچوب های معینی نقشی مهم ایفا کرده اند (امیل زولا و بگردد در قضیه دریغوس در اواخر قرن گذشته و در دهه های ۶۰ و ۷۰ در اروپا و بطور کلی غرب)، اساسا و با وصل کردن خود به پیشروترین گرایشات سیاسی- اجتماعی زمان و روش های متهورانه و باجرات بوده است (۲).

دور کارگران شروع می شود

پس جامعه ایران به کجا می رود؟ چه چشم اندازی برای سون رفت از این حالت شبه ساکن، وضعیتی که هنوز عمدتا دعوای

از نمایندگان وزارتخانه های کار، کشور، صنایع و نیز سازمان تبلیغات اسلامی و کانون انجمن های اسلامی سپرده است. اکثر این حرکات به خارج کارخانه کشید و در مقابل نهادها و عوامل دولت صف آرای کرد. علیرغم ضعف و پراکندگی و مطالبات دفاعی این جنبش، رژیم بخواهی میباید که فعل و انفعالات درونی کارگران و اشکال سازمانی آنها، پیگردگی بیشتر ارتباطات سازمان های چپ رادیکال و کمونیستی با محافل پیشرو کارگری، شرایط سیاسی عمومی جامعه، تحول تحركات کنونی را به یک جنبش سراسری و رادیکال، خطری صمکن و مستحتمل کرده است. تشکیل حزب کارگری دولتی و فراکسیون پارلمانی کارگری در یکی دو سال اخیر و خارج کردن بحث تغییر قانون کار در آخرین لحظات است که تا زمانی که طبقه کارگر به میدان سرنگونی جمهوری اسلامی نیاید، جنبش سرنگونی مشکل نتواند گسترده گی و توان لازم را برای رسیدن به هدف خود کسب کند.

در عین حال این رویدادها نشان داد که: ۱- فعالیت رادیکالیسم و کمونیسم آن چنان زمینه سازندگی در میان دانشجویان و کل جامعه دارد که قادر است حرکتی را که در شرایط خفقان پلیسی و کنترل ایدئولوژیک سیاسی- تشکیلاتی رژیم و جناحهای شکل میگردد، خیلی زود تبدیل به حرکتی با مطالبات و روشهای خود بکند؛ ۲- هر حرکتی اینکه مکانیسم یک بخش پیشرو و رادیکال ضد رژیم به ضلطف بینند، طبقات و اقشار و گروههای مختلف اجتماعی، بطور طبیعی و سریع، میل و یا اجباری، به اتصال به آن پیدا می کنند. کانون نویسندگان ایران هم در جریان این وقایع از آزادی بیان همگانی در جامعه حمایت کرد.

میزان اعتصابات و اعتراضات کارگری در دو سه سال اخیر در طول عمر جمهوری اسلامی کم سابقه بوده است. در سال گذشته اکثر این حرکات به خارج کارخانه کشید و در مقابل نهادها و عوامل دولت صف آرای کرد. علیرغم ضعف و پراکندگی و مطالبات دفاعی این جنبش، رژیم بخواهی میباید که فعل و انفعالات درونی کارگران و اشکال سازمانی آنها، پیگردگی بیشتر ارتباطات سازمان های چپ رادیکال و کمونیستی با محافل پیشرو کارگری، شرایط سیاسی عمومی جامعه، تحول تحركات کنونی را به یک جنبش سراسری و رادیکال، خطری صمکن و مستحتمل کرده است. تشکیل حزب کارگری دولتی و فراکسیون پارلمانی کارگری در یکی دو سال اخیر و خارج کردن بحث تغییر قانون کار در آخرین لحظات است که تا زمانی که طبقه کارگر به میدان سرنگونی جمهوری اسلامی نیاید، جنبش سرنگونی مشکل نتواند گسترده گی و توان لازم را برای رسیدن به هدف خود کسب کند.

در عین حال این رویدادها نشان داد که:

مصطفی صابر "کارگر و دانشجو"

روز ۲۱ تیر ماه، تقریباً ده روز بعد از تظاهرات تهران و سایر شهرها که مرگ جمهوری اسلامی را پیش چشمش گرفت، "مایش استاندان سراسر کشور" در خین برگزار گردید. تاج زاده، معاون وزارت کشور گفت: "در دنیا و همچنین ایران باید به بخشهای دانشجویی و کارگران توجه بیشتری شد؛ چرا که این دو بخش می توانند آسیب پذیر باشند و در عین حال میتوانند خدمات شایانی به این جامعه ارائه نمایند". موضوع گردهمایی البته نه "خدمات شایان کارگر و دانشجو، که آن واقعی بود که ایران (هرود جناح) رژیم از آن بعنوان غائله علیه کل نظام یاد میکنند. علاوه تاج زاده درس جامعه شناسی نمی دهد که از "دنیا و ایران" و از کارگر و دانشجو "علی العموم صحبت میکنند. اینها همه آب بندی "باید طرح مساله ای در اجتماع استاندانان است که نباید بطور علنی و صریح در مورد آن حرف زد؛ رابطه کارگران با تظاهرات تظاهرات زاده هم میباید که در همان روزهای "غائله"، تاج مثال کارگران ماشین سازی اراک به حمایت از تظاهرات دانشجویان دست به اعتراض زدند. ایشان خوب می دانند خیلی از شرکت کنندگان تظاهرات هفت سوم تیرماه که از جانب رژیم "اراذل و ابراش" غیبت شده اند، کارگر و جوانان میباشند که کارگر نشین تهران بودند. ایشان خوب میباید که در یکی دو سال گذشته هفته ای بدون اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات کارگران در نقاط مختلف کشور نگذشته است و جو اعتراضی در بین کارگران بسیار بالاست. مغز متفکر "وزارت کشور در ضمن مصغی کاری حالی ابواب جمعی اش

میزان اعتصابات و اعتراضات کارگری در دو سه سال اخیر در طول عمر جمهوری اسلامی کم سابقه بوده است. در سال گذشته اکثر این حرکات به خارج کارخانه کشید و در مقابل نهادها و عوامل دولت صف آرای کرد. علیرغم ضعف و پراکندگی و مطالبات دفاعی این جنبش، رژیم بخواهی میباید که فعل و انفعالات درونی کارگران و اشکال سازمانی آنها، پیگردگی بیشتر ارتباطات سازمان های چپ رادیکال و کمونیستی با محافل پیشرو کارگری، شرایط سیاسی عمومی جامعه، تحول تحركات کنونی را به یک جنبش سراسری و رادیکال، خطری صمکن و مستحتمل کرده است. تشکیل حزب کارگری دولتی و فراکسیون پارلمانی کارگری در یکی دو سال اخیر و خارج کردن بحث تغییر قانون کار در آخرین لحظات است که تا زمانی که طبقه کارگر به میدان سرنگونی جمهوری اسلامی نیاید، جنبش سرنگونی مشکل نتواند گسترده گی و توان لازم را برای رسیدن به هدف خود کسب کند.

در عین حال این رویدادها نشان داد که:

مصطفی صابر "کارگر و دانشجو"

روز ۲۱ تیر ماه، تقریباً ده روز بعد از تظاهرات تهران و سایر شهرها که مرگ جمهوری اسلامی را پیش چشمش گرفت، "مایش استاندان سراسر کشور" در خین برگزار گردید. تاج زاده، معاون وزارت کشور گفت: "در دنیا و همچنین ایران باید به بخشهای دانشجویی و کارگران توجه بیشتری شد؛ چرا که این دو بخش می توانند آسیب پذیر باشند و در عین حال میتوانند خدمات شایانی به این جامعه ارائه نمایند". موضوع گردهمایی البته نه "خدمات شایان کارگر و دانشجو، که آن واقعی بود که ایران (هرود جناح) رژیم از آن بعنوان غائله علیه کل نظام یاد میکنند. علاوه تاج زاده درس جامعه شناسی نمی دهد که از "دنیا و ایران" و از کارگر و دانشجو "علی العموم صحبت میکنند. اینها همه آب بندی "باید طرح مساله ای در اجتماع استاندانان است که نباید بطور علنی و صریح در مورد آن حرف زد؛ رابطه کارگران با تظاهرات تظاهرات زاده هم میباید که در همان روزهای "غائله"، تاج مثال کارگران ماشین سازی اراک به حمایت از تظاهرات دانشجویان دست به اعتراض زدند. ایشان خوب می دانند خیلی از شرکت کنندگان تظاهرات هفت سوم تیرماه که از جانب رژیم "اراذل و ابراش" غیبت شده اند، کارگر و جوانان میباشند که کارگر نشین تهران بودند. ایشان خوب میباید که در یکی دو سال گذشته هفته ای بدون اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات کارگران در نقاط مختلف کشور نگذشته است و جو اعتراضی در بین کارگران بسیار بالاست. مغز متفکر "وزارت کشور در ضمن مصغی کاری حالی ابواب جمعی اش

نادر بکناش

مبارزه برای آزادی بیان کار سازشکاران و صنفی گرایان نیست

جبهه خود کشیده اند. بر کانون خارج انگت گذاشتیم که توسط "توده پرستان شناخته شده می چرخد که می خواستند آنها دسته جمعی دهند. اسلامی کنند و به معرفی و جمهوری اسلامی اش تحویل دهند. مجبور شدند معرفی را در سکوت بگذرانند. اما همزمان چاک دهان باز کردند و به ما بد و بیراه گفتند. در تمام طول چل و چله و هشدارهای ما در دفاع از آزادی بیان، سکوت کردند. در محافل و صنف خودشان هرچه خواستند علیه ما گفتند. شمشیر ابتذال بیرون کشیدند و قلاذه از لشکران آهنین باز کردند. حرکت "توده ای" سازماندهی کردند و امضا سفارش دادند. امروز اما عملکرد کانون نویسندگان داخل صدام منتقد عده ای از دست به قلم های مقیم خارج را هم بلند کرده و هشدار می دهند. آیا سایر خواب آلوده ها و بی چغ کن های پشت درهای بسته و اعضا- سکت نویسندگان، شمشهسان را آبی خواهند زد و بیدار خواهند شد؟ دارند هوشیار می شوند؟ هوم... هوم... عناصر شریف تر کانون تبعیدی آن را ترک کرده اند. راه ایچا تشکلاتی دیگر از هنرمندان مشتاق آزادی بیان باز است و حرکتی اینجا و آنجا به چشم می خورد. آنان که از صمیم قلب خواهان برقراری آزادی بیان در ایران هستند، نباید اجازه دهند که معامله گران و توطئه گران چند صباچی به گوشه ای بزنند و به معامله میان میدان بیابند. کرختی و سازش و صنفی گرایی، تا کنون به افتادن سرها و کندشدن رزم ما منجر شده است. کافی است.

نادر بکناش

"روشنگران مذهبی"

چندی است که احزاب و رسانه ها و افرادی از چپ و راست، آنکارا در تصحیح و تکرم روشنفکران مذهبی لائیک (ترکیب و محتوایی هم درآوردی مانند فمینیسم اسلامی!) و نقش آنان در جنبش آزادی خواهی و لائیکیت در ایران می نویسند و تلویحا یا تصریحا فراخوان به همکاری نیروهای غیرمذهبی با آنان میدهند. این توجه و فراخوان کنونی، از جنس شیفتگی همیشگی

کمک مالی به رادیو انترناسیونال - داریوش و - سعید س - علی ج - سیماس - نرین م - پری ناز الف - پروین م - رقای حزب در لیتونیوسگ - شهاب - مجید - بهرام - امین - آزاده - شهلا - طاهره - پدی - نرین - شمس - فخری - مریم - حجت - ر - کریم شامحمدی - محمد مرادیگی میز کتاب و تکویر کتب به حزب

کمک مالی منظم به رادیو انترناسیونال: - نرین - محمد م - فغار غ - ابراهیم سونز - جیل فروزان - پروانه احمدی - آسود نودینیان - رحیم و نرگس - پرشنگ بهرامی - صابر - حجت بزرگ - خالد حاج محمدی - پس - صادق زندی - محمد خدی - جهان زرافشار

کمک مالی غیر منظم - هارخ - مهری - فواد - منوچهر - پروین - ندا - بهمن خانی

گوشه ای از اطلاعیه های سازمانهای حزب در جریان رویدادهای اخیر

علیه رژیم اسلامی، علیه اخناق در دفاع از اعتراضات دانشجویان پیاخیزیم!

بدنبال توقیف روزنامه سلام حدود ساعت یازده شب پنجشنبه هفدهم تیرماه در خوابگاه کوی امیرآباد تهران تحصنی در اعتراض به خفقان و تلاشهای اخیر برای بستن مطبوعات صورت گرفت. ساعت دوازده نیروهای انتظامی رژیم، وزارت اطلاعات و انصار حزب الله به محل تحصن حمله کردند. در این تعرض وحشیانه محصلین پشت درخت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بخشهایی از خوابگاه دانشجویان به آتش کشیده شد. این درگیری ها به خیابان امیرآباد شمالی کشیده شد و تا ساعت دو شب ادامه داشت. آخرین اخبار از چندین کشته (از ۶ تا ۲ نفر گزارش شده است)، صدها زخمی، حدود یکبهارار دستگیری و ممنوعیت ملاقات در بیمارستانها و زندانها میگویند. هم اکنون، ظهر شنبه ۱۹ تیرماه، هزاران نفر در اطراف دانشگاه تهران در اعتراض علیه سرکوبگری های رژیم تجمع کرده اند.

بدنبال این درگیریها وزیر آموزش و پرورش استعفا داد و وزارت اطلاعات که شاکو روزنامه سلام بود شکایت خود را پس گرفت. روزنامه سلام ارکان جناح موسوم به چپ در خود رژیم است. این جناحی است که تحت عنوان خط امام، مدتها در رأس حاکمیت اسلامی بوده و خود یکی از وسیع ترین و خوین ترین سرکوبهای سیاسی قرن بیستم را در سال ۱۳۹۰ سازمان داده است. اگر توقیف سلام نشان عمق و علاج ناپذیری بحران رژیم اسلامی بود، عقب نشینی وزارت اطلاعات در هراس از گسترش اعتراضات مردم، گواهی قدرت عقبنامی است که در ایران امروز علیه رژیم اسلامی ظهور میکند. این مردمنده، این کارگران اند، این زنان اند، این جوانان معترض در ایرانند که با همه میدان سرکوبگری رژیم اسلامی میگذارند. اعتراضات دانشجویان

تها ضامن جان آزادیخواهان در ایران گسترش مبارزه است

خامنه ای، خاتمی و سایر مقامات رژیم اسلامی، در آستانه راهپیمایی فرمایشی امروز، مردم معترض و دستگیر شدگان رویدادهای اخیر را به محاکمه و اعدام تهدید کرده اند. این بخشی از تبلیغات جنگی و جنگ روانی رژیم اسلامی علیه مردم به ستوه آمده ایران است. هدف این تبلیغات مرعوب کردن و ساکت کردن مردم است. اما در این تردید نیست که از این ابیاض هرجنایتی ساخته است. امنیت و جان دستگیر شدگان و فعالین مبارزات اخیر در خطر است. باید قاطعانه در مقابل این تهدیدات و هتواعت سیاست سرکوب رژیم اسلامی و خواست واژگونی آن است. توده وسیع مردم حزب کمونیست کارگری عقب نشینی رژیم را مقدمه ای برای تعرض بیشتر به آن قرار خواهند داد. آنچه امروز در ایران میگذرد، مراحل اولیه یک جدال عظیم برای در هم کوبیدن کل رژیم اسلامی است. حزب کمونیست کارگری ایران علیه اخناق و سرکوب و بی حقوقی مردم و برای سرنگونی کل این رژیم کثیف مبارزه میکند. هجوم وحشیانه تبلیغی ها و ابیاض رژیم اسلامی به دانشجویان و دانشگاهها را باید در هم کوبید. کلیه دستگیر شدگان واقعه اخیر، و کلیه زندانیان سیاسی، باید بدون قید و شرط فوراً آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران، کارگران و مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک نظام سیاسی آزاد، یک جمهوری سوسیالیستی، فرامیخواند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ تیر ۷۸ - ۱۰ ژوئیه ۹۹

و طرفدار رژیم را منزوی کرد، باید افکار عمومی را علیه کل ارتجاع اسلامی در ایران شوند. باید طبقه کارگر جهانی را در حمایت از یک انقلاب عظیم برای آزادی و برابری در ایران، به میدان کشید.

رویدادهای شش روز اخیر، مبارزه برای رهایی از رژیم اسلامی در ایران را وارد مرحله نوبتی کرده است. به این مبارزه ملحق شوید.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیرماه ۱۳۷۸، ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۹

اتحادیه های دانشجویی، سازمانهای سیاسی و اتحادیه های کارگری خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی شدند

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری بموازات آکسیونهای متعدد در کشورهای مختلف در حمایت از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم کثیف و جنایتکار اسلامی، کمپینی را برای آزادی زندانیان سیاسی و مشخصاً دستگیر شدگان روزهای اخیر در دستور قرار داده است که با استقبال سازمانهای کارگری و احزاب سیاسی مواجه شده است.

اتحادیه دانشجویان انگلیس، نماینده اتحادیه دانشجویان آلمان، در دانمارک اتحادیه دانشجویان پداگو، اتحادیه کارگران ساختمانی، حزب کمونیست و حزب چپ پارلمانی لیست واحد، اتحادیه سوسیالیستهای فنلاند، اتحادیه پست کانادا، شورای کارگران ونکوور، پنجاه نفر از فعالین اتحادیه دیسک و اتحادیه معلمان در ترکیه، همچنین حزب کار، امک، حزب اقتدار، و حزب آزادی و مقاومت در ترکیه تا کنون از این کمپین حمایت کرده و طی قطعنامه ها و سخنرانی در میتینگهای حزب

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ تیرماه ۱۳۷۸ - ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۹

نامه هایی از آمریکا



علی جوادی

با شاه یا بدون شاه؟

معضلی واقعی گریبان شیفنگان سلطنت را گرفته است! ظاهراً کمند سلطنت دیگر جاذبه چندانی در دنیای واقعی برای مرد اول این نمایش نیز ندارد. گویا رضا پهلوی چشم انداز اعاده سلطنت در ایران را دیده و حاضر است تا عطا سلطنت در ایران را به نقاشی ببخشد و خود و خانواده اش را از شر این رویا-کابوس خلاص کرده و کاریر دیگری در انتیای کمتر تبلیغی برای خود دست و پا کند. اگر چه هنوز دستیاب خود به "اساس سلطنت" را از دست نداده است. بهرحال "ارت سلطنت" بنظر خود مشغول یافتن کشیدن پرده نمایشخانه شده است. اما هنوز معلوم نیست پرده آخر این کمدی چگونه به پایان برده خواهد شد و یا اصولاً چقدر به کمدی خواهد انجامید؟

سناریوی پایانی رویای "سلطنت" رضا پهلوی هر چه باشد، سرنوشته شاه در این پرده هر جور مقبول، سرنوشته بازیزگران و مفتون شدگان پادشاهی میخوردی دیگر است. کارفرمایان بدون اعلام قبلی کمند کلابی را ورشکسته اعلام کرده و بنای تعطیلیش را دارد و کارکنان "واقع بین" خسته از کار چندین ساله "حق بازنشستگی" و "بیمه بیکاری" خود را طلب میکنند و مدعیانی. اما "دیر ابرار" بدون بررسی دواتر همچنان بر سردهی کمند کلاب پای میفشند و خواهان تکرار نمایش سناریوی قدیمند. کارفرما هم با بی تمایلی بدنبال اجرای یک پیس ماندنی است، اما نه در ادامه پیس های تاکنونی بلکه در فرم و قالبی دیگر با نام "بنیاد میهن" و اینطور که پیش میرود شاید هم با کانید شدن برای دور بعدی رئیس جمهوری اسلامی در ایران! البته باید دید!

بهرحال امروز سنوالی واقعی در مقابل شهپرستان قرار گرفته است. با شاه یا بدون شاه؟ با کدام شاه؟ آیا بر علیه شاه دست به کودتا خواهند زد؟ آیا از این "شاهزاده" خلع خواهند کرد؟ یا اینکه کسی را از میان خود و شاید هم از میان بازمانده های قاجار برگزیده و به تخت شاهی خواهند نشاند؟ کدامیک؟ روشن نیست! اما دنیای امروز دنیای آلتزاتیهای کاذب و رویایی است! دنیای والت دیسنی است! با شاه یا بدون شاه: اما مسئله این است که جایگاه شاه در این صف اسما امری کاریکاتورمانه است. ربطی به دنیای انسانهای واقعی ندارد. سلطنت در قیام ۵۷ سرنگون شد. با شاه یا بدون شاه: واقعیتی که سلطنت طلبان خود نیز میگویند این است که امید به "پیروزی" این جریان ربط چندانی به شاه و نام فامیلیش ندارد، خود میدانند که نقطه اتکانشان اساساً تابعی از قدرت توپ و موشک آمریکا و خانه خرابی مردم و ویرانی شیرازه جامعه است. آنچه فقط در احادی از ایران، انهم بشرط آنکه آمریکا تمایلی به اجرای چنین سناریویی داشته باشد، انهم بشرط آنکه اصلا امکانش را داشته باشد.

"پرچم" ابزاری برای سرکوب عقاید!

در شرایطی که مبارزات مردم به ستوه آمده برای آزادی و برابری وارد مراحل حساس خود شده و ناقوس مرگ رژیم اسلامی را بصدا در آورده است. در چنین شرایطی ما در خارج کشور شاهد آن هستیم که جریانات ناسیونالیست و محافظهکار کودکانه میکوشند تا از ابزاز و بیان سیاست چپ و رادیکال در صفوف مردم معترض در خارج تحت لوای "تفرقه افکنی" جلوزیری بعمل آورند. با تاکید میگویند برای رهایی از سلطه رژیم اسلامی همه باید به دور "پرچم سه رنگ" جمع شوند.

و چرا که نه؟! زمانیکه با ایدئولوژی و سیاست ناسیونالیستی انسان را از هویت انسانی تهی میکنند. زمانیکه تعلقات قومی و قبیلهای را جایگزین تعلقات انسانی میکنند، باید هم انتظار داشت که بگویند تا مردم را مسخ شده بیزیر "پرچم" و شعار خرافی عهد عتیق گرد آورند.

اما این نه فقط یک سیاست برای گرد آوری نیرو، بلکه علاوه بر آن سیاستی برای تهاجم به آزادیخواهی و رادیکالیسم است. "پرچم" امروز ابزار جدید این جریانات برای سرکوب عقاید سیاسی است!

دیروز، در بحبوحه انقلاب ۵۷، جریانات اسلامیست زیر لوای "پرچم کلمه" جلوی گسترش خودآگاهی مردم را سد میکردند تا زمینه نفوذ ارتجاع اسلامی را فراهم کنند. امروز، جریانات ناسیونالیست محافظه کار میکوشند با شعار "وحدت" به دور پرچم "چا پای همان سیاستها بگذارند. دیروز، تراژدی "وحدت کلمه" زمینه ساز استقرار رژیم صد هزار انعامی در ایران شد، امروز گویا قرار است "پرچم" چنین نقشی برای ناسیونالیستها ایفا کند.

امروز تلاش کودکانه برای ممانعت از ابزاز وجود سیاست رادیکال و چپ و تلاش برای قرار دادن همگان بیزیر "پرچم سه رنگ" فقط تکرار مسخره یک تراژدی بیست ساله است. آیا مردمی که طعم تلخ "وحدت کلمه" و سیاست "همه با هم" را چشیده اند اجازه خواهند داد که این تراژدی در شکل کمندش هم تکرار شود؟ بعید است!

و گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری ایران

دیدار استکلم در تورنتو- کانادا

کوروش مدرسی

اصغر کریمی

محسن ابراهیمی

ثریا شهابی

از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران میزبان شما خواهند بود

زمان : شنبه ۲۵ سپتامبر

مکان : بعدا به اطلاع میرسد

جهت اطلاع بیشتر با تلفن

۷۳۷-۹۵۰۰ تماس بگیرید

اصغر کریمی

حمید تقوائی

کوروش مدرسی

رحمان حسین زاده

فاتح شیخ الاسلامی

حسین مرادیبگی

از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران میزبان شما خواهند بود

امکان صرف شام در محل موجود است

زمان : شنبه ۹ اکتبر ساعت ۳ تا ۸ عصر

مکان : KISTA TRÄFF

جهت اطلاع بیشتر با تلفن

۳۴ ۳۲ ۷۶۵ ۰۷۰ تماس بگیرید

مرگ بر جمهوری اسلامی!

از کردستان

کارگران در شهر سفر مراسم عینی اول مه برگزار کردند

در سنجند نیز موسسه‌هایی به مناسبت روز کارگر برگزار شد. به ابتکار سندیکای خیزان شهر سقز به مناسبت اول مه، مراسم عینی باشکوهی در سالن ورزشی کوه شهر سقز برگزار شد. اطلاعیه کمیته کردستان حزب (۱۴ خرداد ۷۸) مینویسد: سالن مراسم که به این مناسبت تزئین شده بود، با تجمع دسته دسته کارگران و مردم زحمتکش و آزادخواه، سرعت مسلوب از شدت و در این مراسم سخنرانی‌هایی به مناسبت روز کارگر ایراد شد و کارگران با پخش شیرینی همسنگی جهانی خود را گرمای داشتند. اداره کار و عوامل رژیم درصد بودند خود را قاطی مراسم کنند و در نحوه برگزاری آن دخالت کنند، اما هویشاری کارگران در برگزاری و اداره مراسم اقدامات آنها را خنثی کرد. طبق اخبار، علاوه بر این مراسم، خانواده‌ها و محافل کارگری متعددی در تفحصگاه‌های کنار شهر و در جمعهای صمودی نیز دور هم جمع شده و روز کارگر را جشن گرفته‌اند.

در سنجند نیز بنسبایت روز کارگر در کارخانه نساجی کردستان و همچنین خانه سالمندان جشن گرفته شد و طبق ست در ماه شهری از کارگران و مردم به دامنه‌های آبی‌ر رفتند و جشن و شادی برپا کردند.

تجمع اعتراضی مردم مهیاد

طبق اطلاعیه مورخ ۲۵ تیر کمیته کردستان حزب، بدنبال چند روز اعتراض پراکنده در شهر مهیاد، روز ۲۴ تیر چندین هزار نفر از مردم شهر مهیاد از محلات مختلف طرف مرکز شهر، چهار راه آزادی، حرکت کرده و در آنجا تجمع کردند. تظاهرکنندگان ضمن حرکت و در چرخه راه آزادی خنثی‌سازی آزادی زندانیان شدند. دفاع از خواست جوانان و آزادی جوانان دستگیر شده را شعار میدادند. تظاهرات کنندگان با حمله نیروهای سرکوبگر رژیم پراکنده شدند اما مجدداً در یکی از محلات شهر تجمع کرده و با سرکوبگران درگیر شدند. در این درگیری شاماری از جوانان معترض دستگیر شدند.

فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به حمایت از مبارزات مردم تهران و دیگر شهرها برخیزید! روز سرنوینی جمهوری اسلامی را نزدیک تر کنید!

مردم آزادیخواه کردستان! کارگران، زنان و جوانان مبارز! تظاهرات دانشجویان و مردم در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و رشت علیه استبداد اسلامی و قوانین ضد مردمی آن، ادامه اعتراضات و حرکات گسترده کارگران، ادامه خیزش چند ماه پیش شما در شهرهای کردستان و ادامه مبارزات همه استانهایی است که با سیاست پست استبداد کثیف اسلامی بچان آمده‌اند و کمر به خلاصی از آن بسته‌اند.

اکثریت عظیم مردم حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده‌اند و از هر فرصتی نیز برای ابراز اعتراض عمیق خود استفاده میکنند. مردم رژیم اسلامی نمیخواهند، سرکوب و شکنجه و اعدام میخواهند، مردم از فقر و بیکاری و بیحقوقی متنگ آمده‌اند، آزادی میخواهند، برابری میخواهند، رفاه و شادی میخواهند. سرنوینی جمهوری اسلامی اولین شرط رهایی از همه قوانین ارجعایی و واردونه‌های حاکمیت است که بیست سال است زندگی را بر مردم حرام کرده‌اند. رهایی شما از این وضعیت مشقت بار، رهایی از سالها ستم و سرکوب مداوم و نیل به یک زندگی بهتر نیز در کام اول مستلزم سرنوینی این رژیم کثیف استبدادی و برقراری یک نظام سیاسی آزاد، یک جمهوری سوسیالیستی است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران شما را فرا میخواند که به حمایت از مبارزات مردم تهران و دیگر شهرها برخیزید و روز سرنوینی جمهوری اسلامی را نزدیک تر کنید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
شماره ۷۸ - ۱۱ ژوئیه ۹۹

عوامل تروریست جمهوری اسلامی یک فعال سیاسی را در کردستان عراق ربودند

طبق اطلاعیه ۲۴ خرداد ۷۸ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به نقل از اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، روز ۲۲ خرداد چند مزدور شناخته شده وابسته به اطلاعات جمهوری اسلامی، یکی از کادرهای آن حزب بنام محمد مصطفائی را ربودند.

هشتمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

هشتمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضاء کمیته کردستان، دبیر کمیته مرکزی حزب و اعضای آن دفتر سیاسی و کمیته داخل حزب در نیمه دوم ژوئن ۹۹ (تیرماه ۷۸) برگزار شد. دستور جلسه عبارت بود از:

- ۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی دبیر کمیته کردستان
 - ۲- وضعیت مالی و اقداماتی در جهت بهبود آن
 - ۳- رنوس برنامه عمل و اقدامات یکسال آینده
 - ۴- انتخابات
- در پایان نشست طبق روال روئین انتخابات برگزار گردید و اسد کلینویی، اسد نودیپیان، فاتح شیخ الاسلامی، حسین مرادی، رحمان حسین زاده، سعید حسینی و مظفر محمدی بعنوان اعضا، هیات اجرایی، همعنوان رحمان حسین زاده بعنوان دبیر، سعید و اسد کلینویی بعنوان معاون دبیر کمیته انتخاب شدند.

هیات اجرایی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیرماه ۹۹ (۱۴ ژوئیه ۷۸)

در شهر کوی در کردستان عراق ربوده و به دستگاہهای ترور و جاسوسی رژیم اسلامی در شهر سلیمانیه تحویل داده‌اند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ربودن محمد مصطفائی را بشدت محکوم کرده و ادامه میدهد: اید آدم ربائی آشکار در ادامه ترورهای است که طی چند ماه اخیر مجدداً توسط رژیم جنایتکار علیه مخالفان جمهوری اسلامی در کردستان عراق براه افشاده است. این اقدامات تروریستی کماکان در منطقه تحت سلطه احزاب ناسوسیالیست و با همکاری آنان صورت میگیرد. ما همه مردم آزادیخواه را فرا میخوانیم که به هر طریق ممکن علیه تروریسم جمهوری اسلامی در این منطقه اعتراض کنند. ما در عین حال تجدیدیه میهنی کردستان را که اید آدم ربائی در منطقه تحت تسلط صورت گرفته در این آدم ربایی مسئول شناخته و هر گونه همکاری آن حزب با رژیم جنایتکار اسلامی علیه مخالفان جمهوری اسلامی در کردستان عراق را محکوم میکنیم.

آزادی تعدادی از زندانیان شهر میروان

کمیته میروان حزب کمونیست کارگری ایران، ۱۹ خرداد ۷۸ راه داد که بر اثر فشار و اعتراض و اقدامات بستگان دستگیرشدگان تظاهرات های ماههای گذشته میروان، رژیم ناچار از آزاد کردن تعدادی از زندانیان شد. اما هنوز تعداد دیگری در زندانهای سنجند و میروان سیر میبرند. همچنین برای اولین بار اجازه ملاقات به تعدادی از زندانیان میروان در زندان سنجند، داده شد. خانواده زندانیان، عزیزان خود را که طی این مدت زندی شکنجه مزدوران رژیم قرار گرفته، به سختی شناختند و با دیدن این وضعیت دست به اعتراض زدند و با مزدوران رژیم در زندان درگیر شدند. جانینان مزدور از ترس گسترش اعتراضات و درگیری، ملاقات را قطع کرده و به حالت آماده باش درآمدند.

عبدالله اوجلان باید آزاد شود

روز ۲۹ ژوئن حکم اعدام عبدالله اوجلان رهبر P.K.K توسط مقامات قضایی ترکیه و دادگاه رسیدگی به پرونده او صادر شد. صدور چنین حکمی از طرف دولت سرکوبگر ترکیه و مقامات قضایی آن غیرمنصفانه نبود. این حکم نه در سال دادگاه، بلکه قبل تر و عملاً از همان زمان دستگیر و بر اساس خواست مقامات سیاسی و نظامی دولت ترکیه به دستگاه قضایی آن کشور دیکته شده بود. در واقع پرسه دادگاه چیزی جز نمایشی مضحک و فرمال برای رسمیت دادن به خواست جنایتکارانه دولت ترکیه نبود. ما پیشتر نیز اعلام کرده ایم که محاکمه عبدالله اوجلان به عنوان یکی از مخالفین شناخته شده رژیم ترکیه، توسط رژیم که بانی و عامل اصلی سرکوب و کشتار مردم و همه مخالفان خود در کردستان ترکیه و در ترکیه است، چیزی جز قلدری و انکسالی از همان ماهیت سرکوبگرانه و تروریسم دولتی بیش نیست و هیچ مشروعیتی ندارد. تک تک سردمداران سیاسی و نظامی ترکیه با پروندهای بسیار سنگین از جنایات مردم در ترکیه و در کردستان مشمول محاکمه در پیشگاه خود هستند. روز نیست روزیکه به یمن مبارزه آزادیخواهان طبقه کارگر و مردم کل طلب، این جانینان در دادگاه عادلانه و مردمی بخاطر جنایاتشان محاکمه شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکم اعدام عبدالله اوجلان را به شدت محکوم میکند. عبدالله اوجلان فرآ بدون قید و شرط باید آزاد شود.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۹۹-۳۰-۹۹ (نهم تیر ماه ۷۸)

در اطلاعیه دیگری بتاریخ ۲۲ ژوئیه، رحمان حسین زاده ربودن جواد سوسال از کادراهی پ.ک.ک. توسط مأموران امنیتی ترکیه و بازگرداندن او به ترکیه با همکاری دولت‌های اروپایی را محکوم کرده است.

کمیته کردستان حزب طی اطلاعیه مورخ ۱۴ خرداد یک عامل اطلاعاتی رژیم اسلامی ایران در خارج کشور بنام اسمعیل محمد سوره مشهور به اسماعیل نازاره اهل رشت را که به سوند و سپس پروژ رفته است معرفی کرده و در مورد ایجاد خطر و ناامنی توسط او به مخالفان رژیم جمهوری اسلامی هشدار داده است.

طی نامه ای اعتراضی (۲۰ ژوئن ۹۹) به حکومت منطقه ای کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان عراق، که روئینت آن به سازمانهای زنان و نهادهای بین المللی متعددی ارسال شده است، پروین کابلی مهاجنگ کننده کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران - واحد سوند به توضیحات حزب دمکرات کردستان عراق علیه زنان و شهروندان در آن منطقه اعتراض کرده است.

سمینار مساله کرد در سیدنی

بدعوت رادیو "صدای نو" در سیدنی استرالیا سمیناری با حضور جریانات سیاسی مختلف در اواخر مارس برگزار شد. اسد حیدری از طرف حزب کمونیست کارگری ایران در مورد ستم ملی، جریانات ملی کرد، ماهیت، عملکرد و بی ربطی آنها به رفح ستم از مردم کردستان و نقد مقولات خودمختاری و حق ملل و تمامیت ارضی، در مورد راه حل حزب کمونیست کارگری مبنی بر مراجعه به آراء خود مردم کردستان در مورد ماندن در چهارچوب کشوری با تضمین حقوق و آزادیها و برابری شهروندان متشاری الحقوق با تصمیم به جدائی و ایجاد یک کشور مستقل در یک فراتراندوم آزاد صحبت کرد. همچنین دریا محمد از طرف حزب کمونیست کارگری عراق در مورد اوضاع سیاسیست در کردستان عراق و ضرورت تعیین تکلیف حقوقی جامعه کردستان و تأکید بر راه حل حزب کمونیست کارگری عراق مبنی بر جدائی و استقرار یک کشور مستقل در کردستان صحبت کرد.

دبیر کمیته کردستان حزب (رحمان حسین زاده)
۲۳۹۸۵۵۸۳۷ (۰۰۴۶)

محسن ابراهیمی

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی



معلوم شد که منظور اینها از «مردم»، خودشان هستند و منظورشان از پرچم فقط پرچم کمونیستهاست. حتی شنیده اید که در تظاهرات لس آنجلس، همین حضرات «مرد پرچم»، با علاقه وافر پرچم سه رنگ به تظاهرات آوردند. اینها تفاوت پرچم سه رنگ را با پرچم کمونیستها خوب میدانند. میدانند هر دو نشانه ای از دنیا و مناسبات واقعی هستند. از دو دنیا، دو افق، دو مناسبات اقتصادی، دو مناسبات سیاسی عمیقاً متفاوت. از برای سبیل جامعه ای است که در آن، صاحب سرمایه وجود دارد، کارگر وجود دارد، کارگر تولید میکند، صاحب سرمایه به فروش میبازد؛ طبقه ای حاکم است، طبقه ای زیر حاکمیت؛ مایه‌ای از برای فاقمیل دارد، در کنارش ظرف میلیونی بیاد میکند؛ دقیقاً به همین خاطر زندان و پلیس و تسمار و ساواک و شکنجه گرد و مسجد و ملا و مذهب دارد، خیلی از ما در این جامعه پرچم سه رنگی زندگی کرده ایم؛ کار کرده ایم و برای پرچم مبارزه می‌کنیم. ما را بر سر خود می‌کشند، ما را با زلفان افشاده می‌کشند؛ و اصلاً انقلاب کرده ایم تا همین نابرابری طبقاتی و خفقان سیاسی ای راه شوم. آری ما این جامعه پرچم سه رنگی را خوب می‌شناسیم. آنها هم پرچم ما را خوب می‌شناسند. میدانند کمونیستها چه می‌گویند و چه میخواهند. میدانند سرنوینی جمهوری اسلامی همه هدف ما نیست. میدانند ما جامعه برابر آزادی کامل میخواهیم. میدانند ما گرایش پیشروی از طبقه ای برابری طلب، طبقه کارگر هستیم، که در یک کلام میدانند پرچم ما و پرچم آنها نشانه‌هایی از دو افق طبقاتی و در جامعه متفاوت هستند. سو موضوع به سادگی فقط پرچم نیست.

سرنوینی جمهوری اسلامی

وجه دیگر این تلانها مستقیماً مربوط به موقعیت رژیم اسلامی و مسئله سرنوینی است. بخاطر داریه که با ظهور پدید آمدن، بخش اعظم اپوزیسیون پشت او رفت و تمام آزادی خود را در تقویت خاتمی برای تعدیل رژیم اسلامی محدود کرد. اپوزیسیون اعتراضی علنی علیه کل رژیم در چند هفته اخیر، این اپوزیسیون را به سرکجه انداخت. سرعت در جامعه ایران و در خارج، خط مبارزه برای سرنوینی و حفظ ساش با رژیم اسلامی در مقابل هم قرار گرفتند. از همان روز اول اعتراضات دانشجویی، «دو دفتر تحکیم وحدت» که میخواست این اعتراضات را به نیروی خاصی تبدیل کند در مقابل خط سرنوینی قرار گرفت. اولی ازپوله شد و تهران با استقبال وسیع مردم در دست و سایر شهرها مواجه شد. اگرچه در تهران، بغل کوشش، مردم زیر هجوم حزب الله طاه مسلح به قسه و پنجه یکس، در مقابل پلیس و پاسدار آذمکش، مردم شعار سرنوینی دادند اما بدنبال توافق خاتمی با خامنه ای (ابوابش و اشرار) خواندن مردمی که شعار سرنوینی سه راده بودند، پورخاتمیها در خارج هم تلاش کردند تا از ورود این شعار به صفوف اعتراضی صانعت کنند. همینجا، هنگام و هم صدا با رسانه های غربی، میخواندند که مردم بیچاره‌اند که اعتراض علیه کل رژیم نبوده است، در دفاع از خامنه ای و اصلاحاتش بوده است! اینها چشم به بالا دوخته‌اند چون از پایین میترسد. چشم به تعدیل رژیم دوخته‌اند چون از سرنوینی می‌ترسند. اما اینها ریشخند مردم ضد سرنوینی اسلامی را تحویل خواهند گرفت.

از نظر حزب کمونیست کارگری، شعار سرنوینی رژیم اسلامی میخواند کل حکومت اسلامی، کل فرقه های حکومتی، با دادگاه و زندان و پاسدار و پلیس و مجلس و قانون اساسی و شریعت و احکام قران و اخوند خنده رو و ترشرو، همه را یکجا سرنوینی کند و به جایش یک جمهوری سوسیالیستی مستقر کند. همه اینها ادماهایی به پیوسته حکومتی بینهایت کثیف بنام حکومت اسلامی هستند که بیست سال پیش بر نورش آن جامعه حاکم کردند تا انقلاب با سرکوب کند، آزادهای آن حزب بنام محمد مصطفائی را ربودند، خون بکشند؛ سرمایه داری را به خاک سبخت و تظاهرات باشد؛ احزاب دست آموزشان باشد؛ جمعیتی یک رنگ، مسخ شده، بی خایتی، بیرو، میخوب، بی تفاوت به منافع خود، ستایشگر سبیل های مغارت نظیر شاه و جامعه قبیله و عطفل و تبار در زمانه آقا قرار است تفاوت های طبقاتی باشد، موقعیت های اقتصادی متفاوت باشد، فرصت های اجتماعی نابرابر باشد، «پنچ انگشتان دست یکسان نباشد»، و تا اینجا تفاوت ها مقدس است. اما وقتی پای ابق تفاوت

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

با شروع اعتراضات و تظاهرات و شهرهای دیگر ایران، تشکیلات خارج کشور حزب، بلافاصله فعالیت‌های گسترده ای را در دستور کار خود گذاشت. روز ۱۰ ژوئیه به اعضای حزب در خارج کشور برای یک دوره شش‌روزه سازماندهی فعالیت علیه رژیم اسلامی فراخوان داده شد و آکسیون‌ها از روز ۱۱ ژوئیه در آمریکا و آلمان شروع گردید و از ۱۳ ژوئیه تظاهرات حزب هرروزه در مقابل سفارت‌های رژیم و مراکز شهری مختلف سازمان داده شد. در بعضی کشورها در مراکز شهرها از جمله استکهلم و گوتنبرگ و لس آنجلس بطور دائم پیکتت‌های گذاشته شد و اطلاعاتی های حزب در میان مردم توزیع گردید. در مقابل سفارت رژیم در انگلستان نیز تظاهرات هر روز برگزار شد. در زیر ششده ای از آکسیون‌های حزب را می‌خوانید:

آلمان: نزدیک به بیست مورد تظاهرات در شهرهای مختلف آلمان توسط تشکیلات حزب در این کشور سازمان یافت. این آکسیون‌ها در مراکز شهرهای کلن، برلین، اسن، کاسل، آخن و در مقابل سفارت‌های رژیم در هامبورگ، فرانکفورت و برلین و در مقابل سفارت رژیم در برن برگزار شد. کارهای حزب مینا احدی، آذر مدرسی، همایون گلدارک، محمد استرگان، محمد شکرشی، سیاوش مدرسی، نادر شریفی، ثریا شهابی در این گروه‌های فعالیت‌های حزب در آلمان از تلویزیون سراسری آلمان و تعدادی از روزنامه‌های سراسری و رادیوهای آلمان، تلویزیون محلی ایالت هسن، روزنامه (مصاحبه با مینا احدی) و تلویزیون فارسی اسن منعقد گردید. در کاسل نماینده دانشجویان ایرانی در دانشگاه این شهر فعالیت خود را از آکسیون و مطابقت با تظاهرات و مطالبات مردم ایران مصاحبه کرد. **کانادا:** شش تظاهرات در تورنتو، ونکوور و در اتارا در مقابل سفارت رژیم انجام شد. در این همان روز تظاهرات کارهای حزب شیوا محبویی، محمود احمدی، محسن ابراهیمی، سعید کرامت و اعظم کم گویان، جو فلکسر فعال اتحادیه ماشین‌سازان از طرف جریان سوسیالیست اکشن، هرن روزنسلد نماینده اتحادیه سراسری آرمیبل دفاع و تیان سلیمی از طرف سازمان فدای از زندانیان سیاسی ایران سخنری کردند. تلویزیون CCTV یکی از این تظاهرات سیاسی سخنان این آکسیون بودند. در تظاهرات دیگری که توسط سایر سازمان‌های سیاسی سازمان داده شده بود فعالین حزب با باندروهای حزب شرکت کردند. به اتارا رفتند.

در لس آنجلس شرکت کنندگان در تظاهرات های متعدد حزب با شعارهایی مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی، ضدیت با حکومت ضد زن، حکومت ضدیت با کارگر و آزادی، حکومت ضدیت با شادی و رفاه مردم، حکومت فقر و فلاکت، و حکومت خفقان و با شعارهای آزادی، برابری، حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی در ایران، اعتراض خود را ابراز داشتند. علی جوادی، عضو دفتر سیاسی حزب در گوشه‌ای از سخنرانی خود از آکسیون روز ۱۱ ژوئیه اظهار داشت: این اعتراضات بر سر اصلاحات و تغییرات جزئی نیست. بر سر رسی کردن نقش ولایت فقیه، بر سر کردن اختیارات خامنه‌ای و افزایش قدرت خامنه‌ای است. بر سر بستن اسلامی است که جامعه را در چنگال خود گرفته است. قرار نیست که دشمن اسلام با از خامنه‌ای بگیرند و بدست رها و نابود و کربوبی و خاستی و خویشی‌ها تحویل دهند. در ادامه خامنه‌ای اعلام کرد: رژیم اسلامی در مقابل اعتراضات مردم زانو زده است. مردم می‌توانند کارش

دانشجویان کانادا تا آخر در کنار دانشجویان و مردم ایران ایستاده است

در این برنامه پیام پشتیبانی و همبستگی با دانشجویان ایرانی از طرف اتحادیه کارگران پخش خاکی و همبستگی اتحادیه پرستاران بریتیش کلمبیا خوانده شد. مشروحی از آکسیون طی مصاحبه با سعید پرتو همراه با آخرین اخبار از ایران و فعالیت‌های آتی حزب از رادیو CKNW در اخبار همانروز پخش شد.



سعید پرتو

در ونکوور دفتر نماینده حزب حاکم لیبرال توسط فعالین حزب در اعتراض به سکوت دولت کانادا در مقابل سرکوب‌های اخیر در ایران اشغال شد. این آکسیون بازتاب گسترده ای در رسانه های کانادا داشت بیش از ۱۰ رسانه تماس گرفته و گزارشاتی تهیه کردند و رادیوهای سی کی ان دلبوی، سی بی سی، سی کی دلبوی ایکس، ایستگاه تلویزیونی گلوبال تی وی و روزنامه های ونکوور، اند و نیز رادیو فارسی زبان پروکا با سعید پرتو کادر حزب مصاحبه کردند. **اعظم کم گویان** و **آوست اکر** مسئول روابط بین المللی ستی سخنان تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در اتارا بودند. در پایان رادیو محلی فارسی زبان با اعظم کم گویان مصاحبه کرد. در تورنتو ساعت ۶ بعد از ظهر همان روز مقابل تینون سنتر آکسیون اعتراضی برگزار شد. **سعید کرامت** کادر حزب کمونیست کارگری ایران، جو فلکسر یکی از فعالین کارگری جریان سوسیالیست اکشن، هرن روزنسلد نماینده اتحادیه سراسری آرمیبل دفاع و تیان سلیمی از طرف سازمان فدای از زندانیان سیاسی ایران سخنری کردند. تلویزیون CCTV یکی از این تظاهرات سیاسی سخنان این آکسیون بودند. در تظاهرات دیگری که توسط سایر سازمان‌های سیاسی سازمان داده شده بود فعالین حزب با باندروهای حزب شرکت کردند.

در ونکوور بی ساندرز از سوی شورای کارگران شهر ونکوور که ۶۵ هزار کارگر را نمایندگی میکند طی سخنرانی خود در تظاهرات از اعتراضات دانشجویان و مردم ایران حمایت کرد و رژیم ایران را به خاطر اعمال جنایات علیه مردم محکوم کرد و خواهان آزادی گسترده برای مردم شد. در این تظاهرات سخنان مختلف با محکوم کردن جمهوری اسلامی بر ضرورت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بنیان جامعه نوین در ایران تاکید گذارند. مدعیان سفارت رژیم تظاهرات در کانادای با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد انقلاب در ایران، زنده باد جمهوری سوسیالیستی، از تظاهراتی که در شهرهای مختلف در روز ۲۲ ژوئیه برگزار شد نماینده اتحادیه دانشجویان کانادا مارک ویر کمپ سخنرانی کرد و پشتیبانی قاطع اتحادیه دانشجویان از حرکات اخیر در ایران را اعلام کرد و خواهان مبارزه گسترده و مستمر ایرانیان مقیم خارج علیه کلت رژیم اسلامی و تقویت مبارزه برای



اعظم کم گویان

بیش از ۱۰ آکسیون در شهرهای استکهلم، مالمو و گوتنبرگ برگزار شد. در بار در مقابل سفارت رژیم تظاهرات شد. این آکسیون‌ها با استقبال قابل توجهی از جانب ایرانیان مقیم همراهی گردید. در این آکسیون‌ها خلیل کیوان، حسین مرادی، ایرج فزاد و فاتح شیخ الاسلامی سخنری کردند. فاتح شیخ الاسلامی عضو دفتر سیاسی حزب و سخنان میتینگ استکهلم در تاریخ ۲۲ ژوئیه، طی سخنانی به تلاش ناموفقی قاطع اتحادیه دانشجویان از حرکات اخیر در ایران را اعلام کرد و خواهان مبارزه گسترده و مستمر ایرانیان مقیم خارج علیه کلت رژیم اسلامی و تقویت مبارزه برای

سرنگونی رژیم تاکید کرد. همبستگی نمایندگان کارگر، سوند، حزب سوسیالیست سوند و حزب عدالت سوسیالیستی با سخنرانی و ارسال پیام همبستگی از مبارزات دانشجویان و مردم آزادیخواه ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و برقراری یک نظام عادلانه و برابر در ایران پشتیبانی کردند. در قطعنامه پایانی این اجتماعات از جمله

در تظاهرات داده میشد. کاتالهای تلویزیون سراسری فنلاند ۱ و ۳ گزارشاتی از تظاهرات پخش کردند. کانال ۳ با اسماعیل ویسی مسئول حزب در فنلاند مصاحبه ای در مورد اوضاع ایران، اهداف این آکسیون و مطالبات مردم ایران ترتیب داد. روزنامه های سراسری ایته سازمانات و هلسینکی سانومات، رادیو محلی هلسینکی "اویسی رادیو" کانال ۳ تلویزیون فنلاند نیز با اسماعیل ویسی مصاحبه کردند. همچنین روزنامه سراسری سانومات و رادیو محلی سوندی نیز با اسماعیل ویسی مصاحبه کردند. روزنامه واحد حزب در فنلاند مصاحبه کرد. **آکسیون دیگری نیز روز ۲۲ ژوئیه در مرکز شهر هلسینکی برگزار شد. در این آکسیونها اسماعیل ویسی و مصطفی باهر دبیر کمیته فنلاند حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کردند. به فراخوان اتحادیه سوسیالیستی فنلاند جلسه ای در مورد اوضاع سیاسی ایران در هلسینکی برگزار شد و از رضا کمانگر کادر حزب دعوت به سخنرانی شد. در این جلسه رضا کمانگر در مورد اوضاع سیاسی ایران سخنرانی کرد و به سولات شرکت کنندگان در مورد اوضاع ایران پاسخ داد. در پایان رضا کمانگر قطعنامه‌ای برای محکومیت رژیم اسلامی به اتحادیه سوسیالیستی پیشنهاد کرد که قول تصویب آن در جلسه این اتحادیه داده شد.**

دانشگاه:

آکسیونی در مرکز شهر برگزار شد. ناخید ریاضی کادر حزب کمونیست کارگری و مهاجنگ کننده کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران و نیز هابی عضو هیئت مدیره اتحادیه دانشجویان یادگو و سخنگوی اعتراضات وسیع دانشجویی و دانشجویی در دانش آموزی در بهار اسمال در دانمارک در این آکسیون سخنرانی کردند. این آکسیون مورد پشتیبانی اتحادیه کارگران ساختمانی، اتحادیه دانشجویان یادگو، حزب کمونیست دانمارک، حزب چپ پارلمانی لیست واحد و کمین دفاع از حقوق زنان در ایران قرار گرفت. محمود ژوبینی مسئول حزب در دانمارک طی نامه ای به وزیر امور خارجه دانمارک خواست است رژیم ایران را محکوم کند و رژیم نجات جان و آزادی دانشجویان و مردم دستگیر شده و جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد. این نامه در میان مردم توزیع شد و بسیاری از حاضرین نامه را امضا کرده و برای وزیر امور خارجه دانمارک ارسال کردند. آکسیون دیگری نیز در مقابل سفارت رژیم در کینهاگ برگزار شد.

خلیل کیوان

تظاهرات در مرکز شهر استرمدام برگزار شد که با استقبال مهاجرین ایرانی در هلند مواجه شد. در این آکسیون مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب سخنرانی کرد. در تظاهرات هلند رفیق فرشته مرادی مجری برنامه رادیو و مینا احدی طی سخنانی با اشاره به اینکه، تظاهراتی اخیر از رویکال شدن سریع شعارها نشان داد که جمهوری اسلامی بر آتشفشان خشم مردم نشسته است و سرنگونی رژیم، از هر طرف که اوضاع بچرخد امری محتمل است. این حرکات نشان داد که فقط یک روز طول کشید



خلیل کیوان

فصلنامه:

روز ۱۳ ژوئیه تظاهراتی از یکی از مراکز پرفرت و آمد شهر شروع و بطرف سفارت راهبختی شد. در طول راهبختی شعارهایی، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری، زنده باد سوسیالیسم، مرگ بر حکومت ضد زن، مرگ بر حکومت سنگار از طرف شرکت کنندگان در تظاهرات داده میشد. کاتالهای تلویزیون سراسری فنلاند ۱ و ۳ گزارشاتی از تظاهرات پخش کردند. کانال ۳ با اسماعیل ویسی مسئول حزب در فنلاند مصاحبه ای در مورد اوضاع ایران، اهداف این آکسیون و مطالبات مردم ایران ترتیب داد. روزنامه های سراسری ایته سازمانات و هلسینکی سانومات، رادیو محلی هلسینکی "اویسی رادیو" کانال ۳ تلویزیون فنلاند نیز با اسماعیل ویسی مصاحبه کردند. همچنین روزنامه سراسری سانومات و رادیو محلی سوندی نیز با اسماعیل ویسی مصاحبه کردند. روزنامه واحد حزب در فنلاند مصاحبه کرد. **آکسیون دیگری نیز روز ۲۲ ژوئیه در مرکز شهر هلسینکی برگزار شد. در این آکسیونها اسماعیل ویسی و مصطفی باهر دبیر کمیته فنلاند حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کردند. به فراخوان اتحادیه سوسیالیستی فنلاند جلسه ای در مورد اوضاع سیاسی ایران در هلسینکی برگزار شد و از رضا کمانگر کادر حزب دعوت به سخنرانی شد. در این جلسه رضا کمانگر در مورد اوضاع سیاسی ایران سخنرانی کرد و به سولات شرکت کنندگان در مورد اوضاع ایران پاسخ داد. در پایان رضا کمانگر قطعنامه‌ای برای محکومیت رژیم اسلامی به اتحادیه سوسیالیستی پیشنهاد کرد که قول تصویب آن در جلسه این اتحادیه داده شد.**

انگلیس:

تورنیک به یک هفته هر روز در مقابل سفارت رژیم در لندن تظاهرات شد. امان کفا و مریم کوشا در این اجتماعات سخنرانی کردند. از این آکسیون رادیو تلویزیون کانادا و نیز تلویزیون محلی روزگارنگ گزارش و فیلم تهیه کرد. **هلن راجرز از اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا و پدram از طرف SWP آلمان طی سخنرانی خود از این آکسیون مطالبات حزب پشتیبانی کردند. یک پیکت اعتراضی در مقابل بی بی سی بخاطر سانسور و دفاع این نهاد از جمهوری اسلامی ترتیب داده شد. در این آکسیون سهیلا شریفی و فریبرز پویا سخنرانی کردند. تعداد زیادی از کارکنان بخش انگلیسی این خبرگزاری به میان آکسیون آمده و در مورد این آکسیون و نحوه سانسور از شرکت کنندگان و بعضی از آکسیون‌ها و بعضی از آنها قبل دادند که آترا پیگیری خواهند کرد.**

دانشگاه:

دفتر هواییات رژیم در لندن نیز توسط فعالین حزب اشغال شد و عسکهای سران رژیم پاره شد و بر در دیوار آن رنگ پاشیدند. خبر این اعتراض در بعضی رادیوهای فارسی زبان سراسری از جمله رادیو اسپریتل و بی بی سی اعلام یافت. **کردستان عراق** (سلیمانیه)، روز ۱۲ ژوئیه بیش از صد نفر از ایرانیان مقیم شهر سلیمانیه در جلو مقر دفتر سازمان ملل دست به تظاهرات زدند و حمایت خود را از مبارزات دانشجویان و مردم برای سرنگونی رژیم چناتاقی جمهوری اسلامی ابراز داشتند. حامد خاکی کادر حزب کمونیست کارگری ایران در بخش از سخنرانی خود گفت تمام این اعتراضات یابگر آن است که مردم دیگر نمی خواهند جمهوری اسلامی سرکاب باشد. ما نیز همچون بخشی از قربانیان این حکومت، حکومت اسلام و توحش و بربریت، که بیست سال است بر ایران حاکم است حمایت خود را از تظاهرات و اعتراضات اخیر مردم اعلام میکنم. سپس گفت: قطعنامه ای در حمایت از مبارزات مردم و محکومیت رژیم اسلامی توسط جلیل رضانی کادر کمونیست کارگری ایران قرائت گردید که با حمایت و استقبال تظاهرات کنندگان روبرو شد. در این قطعنامه آزادی فوری زندانیان سیاسی خواسته شده است.

گزارش سخنرانیها:

آذر مدرسی، مینا احدی و سیاوش مدرسی سخنرانی در خانه های حزب بوخوم، کلن و برلین (آلمان) تحت عنوان "حزب سیاسی و جامعه" محسن ابراهیمی، تورنتو، سخنرانی در مراسم سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق امان کفا سخنرانی در مسینار

که مردم بجان آمده بگریزند تحت عنوان (جامعه مدنی.....؟) وضعیت کنونی ایران) امیر توکلی، سخنرانی در مورد وضع زنان و کودکان در ایران در شهر ولسا در فنلاند امیران توکلی سخنرانی برای دانش آموزان در یکی از دبیرستانهای شهر ولسا در مورد اوضاع عمومی ایران و وضعیت جوانان

آذر ماجدی سخنرانی در مسینار با عنوان زنان در ایران آرمانها و چشم اندازها بدعوت گروه زنان فرانکفورت. شهاب شفیق و نسیرن بصیری سخنرانان دیگر این مسینار بودند. اعظم کم گویان سخنرانی در همین کنفرانس بنیاد پژوهشهای زنان ایرانی که در تاریخ ۵ تا ۵ جولای در مینسترال کانادا با تم زن ایرانی در آستانه سال ۲۰۰۰ برگزار شد. موضوع سخنرانی کم گویان "جنبش زنان در ایران، چشم اندازها و مطالبات بود. پس از سخنرانی، CBC سراسری کانادا و رادیو فارسی زبان اتارا "آراوا" و نیز شبکه سوسیالیستی که به زبانهای ترکی، انگلیسی و فرانسه منتشر میشود. اعظم کم گویان در مورد زندگی او، جنبش زنان در ایران مصاحبه کردند.

اعظم کم گویان سخنرانی در خانه حزب تورنتو با عنوان "آرمانها و چشم اندازهای جنبش زنان در ایران" محمد شکرشی، سخنرانی در خانه حزب هامبورگ تحت عنوان جنبش کارگری در ایران در حالی که گذشت محمد رضا پویا، سخنرانی در مورد اوضاع سیاسی ایران. در این جلسه سخنرانی دیگری از کنفرانس ملی، مشروطه خواهان، اتحاد چپ کارگری، و سخنران منفردی شرکت داشتند.

مصاحبه های رادیویی:

محسن ابراهیمی، گفت و شنود با تلویزیون فارسی زبان یک در مورد اعتراضات اخیر در ایران، آذر مدرسی مصاحبه با تلویزیون فارسی زبان اسن در رابطه با وضعیت ایران، نظر حزب کمونیست کارگری ایران در مورد این تحولات و سیر تحولات آتی در پرتوی معادلی مصاحبه با رادیو تورنتو در دانمارک در مورد تظاهرات حزب در آلمان سعید پرتو، مصاحبه با رادیو پروکا ونکوور در مورد وقایع و اعتراضات اخیر دانشجویی در ایران اعظم کم گویان سخنرانی میزگرد بررسی اوضاع سیاسی ایران که توسط تلویزیون روزگارنگ در لندن برگزار شد. اعظم کم گویان در این تلویزیون مفسر سیاسی و تهیه کننده چند برنامه تلویزیونی است.

آزادیان در مورد جنایات رژیم اسلامی روز ۷ ژوئیه. این مصاحبه بدنبال تظاهرات حزب در مقابل جلسه ای در دانشگاه کلمبیا تحت عنوان میزگرد مطبوعات ایران: میروز، امروز، فردا، صورت گرفت. فعالین حزب در این جلسه که در دفاع از خاستی از سوی انستیتو خاور میانه دانشگاه کلمبیا برگزار شده بود و تعدادی از روزنامه نگاران طرفداران خامنه‌ای و تعداد قابل توجهی از مأمورین جمهوری اسلامی در آن شرکت داشتند، به اشفای بی‌حقوقی مردم ایران و قفقان آزادی بیان و آزادیهای سیاسی و سرکوب و اعدام مخالفین سیاسی در ایران پرداختند و برگزارکنندگان این جلسه را افشا کردند. خلیل کیوان، مصاحبه با رادیو همبستگی مالمو، و رفیق ندایی نو کینهاگ و هدیه نامه ای اوشریه فراسیون سراسری اتحادی های کارگری سوند اصغر کریمی، رادیو دنیای نو

دانمارک، رادیو همبستگی مالمو، رادیو انترنسیونال استکهلم در مورد اعتراضات اخیر در ایران منصور حکمت، مصاحبه با بی بی سی و رادیو صدای ایران در مورد اعتراضات اخیر در ایران

گفتگویی منصور حکمت در رادیو اسرائیل در مورد اعتراضات اخیر در ایران و خطاب به کارگران نفت و مراکز صنعتی ایران

علی جوادی و اصغر کریمی مصاحبه با رادیو صدای ایران، برنامه میبید در مورد حیات و فعالیت‌های آن، در این مصاحبه به سوالات شنوندگان پاسخ داده شد. مصاحبه مشابهی نیز با برنامه میرمطهری انجام شد.

کوشف مرمسی، علی جوادی و اصغر کریمی مصاحبه با صدای آمریکا در مورد اهداف و سیاست‌های حزب

میثا احدی، بدعوت بخش زنان حزب کمونیست اتریش و حزب سبز در این کشور و منشیطور سازمان همبستگی زنان، در شهر وین در مورد وضع

زنان در کردستان ایران و عراق بزبان آلمانی سخنرانی کرد در این جلسه طی سه ساعت بحث و گفتگو در مورد آخرین تحولات در کردستان عراق، مشکلات

زنان در این منطقه و مبارزات زنان در پیشانی شد بخشی از جلسه نیز به بررسی فعالیت‌های سازمان مستقل زنان و خانه زنان در سلیمانیه اختصاص داشت. مینا احمدی ضمن تاکید بر وجود یک جنبش اعتراضی در کشورهای اسلام زده بر علیه دخالت مذهب

در زندگی زنان، از همه سازمان‌های زنان خواست این مبارزات را فعال تر از گذشته حمایت کرده و بویژه در مقابل ترویزم اسلامی به اقدامات مشترکی دست بزنند. روز بعد

در روزنامه محلی، روزنامه سراسری دانشجویان و همچنین روزنامه حزب کمونیست اتریش مصاحبه‌های مفصلی در مورد وضع زنان در کردستان ایران و عراق با میثا احدی انجام دادند. منصور حکمت، در ماه ژوئیه

به مصاحبه نسبتاً طولانی با رادیو صدای ایران در مورد حزب کمونیست کارگری، اهداف و سیاست‌های فعالیت‌های حزب داشت و به سوالات متعدد شنوندگان پاسخ داد.

تولویزیون فارسی زبان نگارنگ در انگلستان بریتانی از جلسه سخنرانی فاتح شیخ الاسلامی در اول مه در لندن و همچنین مصاحبه اختصاصی با او درباره اوضاع سیاسی ایران را در چند بخش طی ماه خرداد، پخش کرد

اطلاعیه‌ها:

اطلاعیه‌های زیر از واحد‌ها و کارگاهی حزب در این فاصله منتشر شده است:

- **تا محو کامل دارالخلافه اسلامی به پیش، سیواوش مدرسی**
- **صدای یک انقلاب دیگر، میثا احدی**
- **رژیم بر لبه پرتگاه، عمر کریمی**
- **حکومت آشوب اسلامی در سراسر سقوط، سیواوش مدرسی**
- **خامنی به انضام ایستاد، خامنه‌ای خود خورادی بود، موش کور پیر به جلو عقب میزند، مصطفی صابر**
- **با سنت اسلامی نفیوان به جنگ رژیم اسلامی رفت، علی جوادی**
- **جنایت علیه آزادی هری، کمیته حزب در بریتانیا**
- **در مورد فوت مشکوک زری جبرئیل متقاضی پان‌هنگی در آلمان، میثا احدی**

اعلام جرم شش روزی که بخش فارسی رادیو فرانسه را تکان داد

به سرکوب در ایران، از حدود ماهه مدنی خامنی و سیاست "حیات با خوراست گشایش خامنی" دولت فرانسه تحفظی نکردند.

حتما شنوندگان رادیوی آنها در ایران، که در این روزها هیچ رادیوی خود را باز می‌کردند تا با خبر

سانسور و خفقان جمهوری اسلامی خیر و نظری بشنوند، تصور کرده اند که این رادیو به ایران منتقل شده است! حتما خیلی از آنها آن را از لیست رادیوهای بی‌باید گوش داد، حذف کرده‌اند. طفلی

ها، این کارمندان تازه کار پیش حقیقت، یاد نگرفته‌اند که رعایت علقه شان به جمهوری اسلامی و فرامین دولت فرانسه را با دوزی از جلب مشتری آشتی بدهند و قدری هم تظاهر به رادیوی آزاد بودن بکنند.

در ۶ روزی که مردمان زیادی در سراسر جهان به آزادی در ایران فکر می‌کردند و آن تصاویر و صداها را با شوق بر صفحات تلویزیون هایشان می‌دیدند، از رادیوهایشان می‌شنیدند، در ۶ روزه‌ای که آدمها به خاطر آزادی جان بر کف به خیابان‌های تهران تیریز و مشهد می‌رفتند، کارمندان "صدای جمهوری اسلامی از پاریس"

به مردم حقیقت را بگوئید!

به رسانه‌های گزوهی! بیست سال پیش غرب با کمک رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی و جامعتی آفوند مرتجع و حکومت‌گرایه، بر مردم سوار کرد. این ماجعت بی‌زاری قرار دارد. ما کارگران، ما زنان، ما جوانان به میدان آمدیم تا کلیت نظام کثیف اسلامی را بگور بسازیم و بر ایرانه آن جامعه‌ای برابر و آزاد برپا داریم.

یک بار هم که شده صدای ما قربانیان بیست سال جنایت حکومت دولتی ما در گوش مردم جهان برسانید.

رضا کمانگر ۱۲ ژوئیه ۹۹

دروغپردازی رسانه‌های غربی را افشا کنیم!

مردم ایران تصمیم خردا به گرفته‌اند. همه جهان اعلام کرده‌اند

در وحشت از دست دادن رژیم شان در ایران و شلغشان در پاریس بودند. این ۶ روز جهان را تکان داد و به تنه در پرتاب کرد.

کارکنان این رادیو و سایر رسانه‌هایی که با سانسور به تحکیم استبداد در ایران کمک می‌کنند، به همان اندازه عاملین و آمران سرکوب فیزیکی، مسئول و مجرم هستند.

نادر بگتاش - ۱۷ ژوئیه ۹۹

به چه حقی عقاید و مبارزات برخی گرایش‌ها را سانسور می‌کنید؟

جامعه ایران دوره حساس و خطیری را از سر می‌گذراند. سرنوش یک جامعه ۶۰ میلیونی در حال رخاوندن است. جلال بین استبداد و آزادی‌طلبان تعیین‌کننده‌ای را طی می‌کند. هیچ‌کدام از احزاب اپوزیسیون ایران، حتی اتحادیه که خواهان حفظ

تعدیل جمهوری‌اسلامی هستند، اجازه فعالیت علنی و آزاد در کشور ندارند.

رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور یک عامل مهم انتقال اطلاعات بدعقل و درهم شکستن سد سانسور و خفقان پلیسی هستند. اینها حق ندارند تنها به انعکاس اخبار و نظراتی بپردازند که در جهت حفظ جمهوری‌اسلامی است. حق ندارند تسمه‌قاله سیاست‌های دول کابینت‌استی‌ای باشند که حقوق‌شان را پرداخت می‌کند. حق ندارند برخی گرایش‌ها و احزاب را ندیده بگیرند.

هیچکس نقش رسانه‌ها را در این دوره مهم که آزادی در ایران علیه استبداد پیاخته‌است از فراموش نخواهد کرد: آیا در کنار وزارت اطلاعات جمهوری‌اسلامی اخبار اپوزیسیون را سانسور خواهند کرد یا آفتقر شرافت حرف‌های و تعلق به آزادی خواهند داشت که به انعکاس بی‌طرفانه اخبار و فعالیت‌ها بپردازند؟

نادر بگتاش ۱۲ ژوئیه ۹۹

شود زیرا که احساسات پیروان منذب شیعه در چنین مراسمی از کنترل خارج میشود. اینها را باید رسوا و افشا کرد. دول غربی به همراه رسانه هایشان قدرت بازیگران اصلی انقلاب یعنی کارگران را می‌شناسند، می‌خواهند آنها را از صحنه حذف کنند، زور می‌زنند تا باحقه و سرکوب یک جمهوری اسلامی "تعدیل شده" را به مردم تحمیل کنند، اینها شیفته تکرار سناریوی ۵۷ می‌باشند.

اما باید افکار عمومی جهان حقایق را بدانند. باید به مردم جهان گفت که مترعترین کارگاهی هستند که هیچگاه رژیم جنایتکار اسلامی را نیزقیدند و امروز برای خلاصی خود از این جهنم اسلامی و جهت دستیابی به یک دنیای بهتر به میدان آمده‌اند، زنانی هستند که حقوقشان توسط عدده ای آدمکش اسلامی روزانه پایمال میگردد، مردمی هستند که مذهب و حکومت مذهبی نمیخواهند، آنها می‌خواهند به عمر کثیف این رژیم پایان دهند. این واقعیت جاری و مرکز نقل اعتراضات کنونی در ایران است.

محمدرضا پویا - ۹۹-۷-۱۳

این روزها در خارج کشور در برابر امواج اعتراضات چپ و رادیکال علیه جمهوری اسلامی، پرچم سونگ و هویت ایرانی را علم کرده‌اند. از در نصیحت در می‌آیند و انگار که مردم همه اعضا کانون بازنشستگان جبهه ملی اند، از فضائل و خصائل پرچم و هویت ایرانی بعنوان وجه مشخصه حرکات اعتراضی، داد سخن میدهند و عجیب این است که فارخون به تظاهرات زیر پرچم شیر و خورشید هم داده‌اند!

بگذار مردم دنیا هم در انتهای قرن بیستم صف اینها و شعرا و چشم اندازی را که در مقابل جامعه ایران قرار میدهند به روشنی ببینند. بگذار مردم دنیا هم بدانند که جاعتی فسیل سیاسی چه "ملی‌شان ناسازگار دیدند. اینها دوست دارند مردم فراموش کنند که چگونه خود را ارج کشند و مردم توسط تیساران ارتش شاه، به مردم فرخاوان دادند که "ارتش محترم" کاری نداشته باشند. همان زمان هم مردم پیاخته‌ستد را برابر تیسار ازاری‌ها ایستادند همانطور که اکنون در مقابل سرتیپ پاسدار لطفیان ایستادند.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته گوئرتگر - سوند ۲۰ ژوئیه ۹۹

مردم ایران یک معدرتخواهی به بی بی سی بدهکارند!

الحق که دانشجویان و مردم مبارز ایران باید از بی بی سی عنذر بخوانند که بدون اجازه برای آزادی دست به مبارزه زده اند، در پیشبرد خواستشان "رادیو زده" کرده اند و اوقات آقای خامنی و آیت الله جیم میور Jim Muir، نمایندند بی بی سی در خاورمیانه را تلخ کرده اند! واقعاً چه دارد! در دو سه روز اول با سمات ژایدالوصفی تلاش کرد که اعتراضات مردم و دانشجویان را به حساب خامنی و دفاع از او بنویسند. از قول مردم ایران اعلام کردند و قول دادند که انقلاب نمیخواهند و فقط خواهان همان رفم‌ها و بهمان سرعتی هستند که خامنی میخواهد پیاده کند.

وقتی شعارها تنتمد و رادیکالیزه شد و مترعترین حاشیایان را از خامنی جدا کردند، بی بی سی نوک حمله ژورنالیسم بیطرف را به سمت مترعترین برگرداند، به کسانی که در جنگ و گریز با پلیس و ارتش بودند، بی بی سی شوکه کرد که مردم معتقد دارند آب به آسیاب جناب خامنه‌ای می‌ریزند و به "شورهای محافظه کار"، (یعنی خامنه‌ای و دسته اش) بهانه برای سرکوب میدهند. تازه سرکوب خود دانشجویان و مردم مساله شان نبود، نگرانی شان از تضعیف رهبر کافرقرده‌شان خامنی بود. مردم مبارز را برای "زیاده خواهی شان" برای عدم صبر و بردباریشان سرزنش کردند. بخاطر گوش نکردن به حرف خامنی پشان شتر ززند.

جناب جیم میور، در تلویزیون بی بی سی ورلد، پس از اینکه خامنی تهدید کرد که هر نوع تظاهرات و اعتراضی به شدیدترین وجه سرکوب میشود و خامنه‌ای اعلام کرد که مجازات اعدام در انتظار دستگیر شدگان است، رواج را اینچنین تقصیر کرد: "معاظه کاران" مردم از این وضعیت نگراند، از هرج و مرج نگراند. چون میدانست تنها آنتراونیو بجای جمهوری اسلامی هرج و مرج است... رهبران دانشجویی هر نوع تظاهرات را منتفی اعلام کردند، دیگر تظاهراتی به چشم نمیخورد ولی تا همینجا زیان زیادی بار آورده اند." آیا میشود تفاوتی بین این سخنان و خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی پیدا کرد؟

این معنای رسانه‌های "بیطرف" است. اخبار مبارزات مردم را سانسور میکنند و در روز روشن دروغ میگویند. باید اینها را افشا کرد. نباید اجازه داد که اینها با انقلاب مردم همان برخوردی را بکنند که بیست سال پیش با انقلاب ۵۷ و بنفع خمینی کردند.

آذر ماجدی ۱۵ ژوئیه ۹۹، ۲۴ تیرماه ۷۸

رسانه‌ها مبارزات مردم ایران را سانسور میکنند!

تظاهرات و اعتراضات وسیع دانشجویان و مردم مبارز و به جان آمده ایران علیه اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی در صدر اخبار رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. گسترش سریع این مبارزات در تهران و اغلب شهرهای بزرگ و رادیکالیزه شدن آن دولتهای غربی و رسانه‌های چپه رخوا آنها را نگران و متعجب ساخته است.

علیرغم تلاش بسیار برای اینکه این مبارزات را بنفع و در دفاع از دولت خامنی جلوه دهند، شعراهای "مرگ بر رژیم ملاحا"، علیه اختناق و استبداد اسلامی، علیه رژیم و برای آزادی، رسانه‌های بین‌المللی را وادار کرده است که این سوال را در مقابل باصطلاح کارشناسان قرار دهند: "آیا با یک انقلاب دیگر در ایران روپرویزیم؟"

و دقیقاً ترس از شیخ انقلاب دیگر است که رسانه‌ها را به سانسور عبان و علنی اخبار اعتراضات و مبارزات مردم کشانده است. هشدار میبدهند که کنترل دارد از دست خامنی و جناح او خارج میشود، که "فریادگر عوامی بیگانه" صحبت میکنند، و هشدار میبدهند که نیروهای دارند از طغیان مردم "سواستفاده" و آشوب بیا میکنند. اولین بار نیست که رسانه‌ها در دنباله روی از سیاست‌های دولتهای متوسثمان مبارزات مردم در ایران را سانسور میکنند، ماهیت رادیکال، آزادیخواه و انقلابی آرا مغضوب میسازند. مردم ایران نقش این رسانه‌ها و در میان آنها بی بی سی را، در انقلاب ۵۷، در دفاع از خمینی فراموش نکرده اند. بیست سال پیش اینها مبارزات مردم ایران برای آزادی و علیه رژیم سلطنت را بنیای خمینی نوشندند. و اکنون دارند تلاش میکنند که این مبارزات را بنیای خامنی و "رفرمهای" مومومی که او قرار است در ایران عملی کند، بنویسند.

مردم آزادیخواه و مبارزا

پخش اخبار مبارزات مردم ایران در ۶ روز اخیر یکبار دیگر نشان داد که "رسانه‌های بیطرف"، دروغ و فریبی بیش نیست. به سانسور اخبار مبارزات مردم ایران اعتراض کنید، و با این اعتراض نفرت خود را از ریکاری رسانه‌های دلال و چپره خوار نشان دهید.

آذر ماجدی ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۹، ۲۲، تیرماه ۱۳۷۸

بی بی سی، سیاست جنایتکاران اسلامی!

دیشب کانال ۲ تلویزیون با نشان دادن گوشه‌هایی از درگیری دانشجویان با نیروهای سرکوبگر اسلامی سعی در جلب بیننده‌دانشی کرد تا آنها را برای یک تبلیغ و تعریف مبالغه‌انگانه از رژیم جمهوری رژیم اسلامی آماده کند. آنگاه، از زبان باقر معین، مفسر مترع و نان به نرخ خود خور بی بی سی شروع به تعریف و تمجید از خامنی کرد. این درست در زمانی است که غرب با خامنی هم‌جانجا و دستجات آدمکش به دانشجویان و مردم در خیابان اعلام کرده است که در صورت ادامه تظاهرات بیشتر می‌کند و قتل‌عام راه می‌انازد. بی بی سی همراهِ تبلیغ نروکشان همان شغل کثیف شان را دارند که ۲۰ سال قبل داشتند. آن دوره برای سرکار آوردن جریان اسلامی هر چه در توان داشتند کردند و امروز نیز با همان چنگ و دندان تبلیغاتی از ادامه حیات رژیم اسلامی، عبر عمر بر این جنایت‌شان دفاع می‌کنند. آن دوره لازم بود خمینی رهبر و ناجی باشد، حالا هم خامنی! این یعنی همراهی و حامی جنایتکاران آثم در حساس‌ترین لحظات! مبارزه با این رسانه‌های مزدور و مرتجع جزئی از مبارزه عادلانه مردم علیه رژیم جنایتکار اسلامی است.

محمد فتاحی - ۱۴-۷-۹۹ سوند ۲۰ ژوئیه ۹۹

کنفرانس هشتم همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برگزار شد

مریم نمازی به سمت دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی انتخاب شد



مریم نمازی

هشتمین کنفرانس سراسری فدراسیون در روزهای ۲۲ تا ۲۵ ژوئیه در آلمان برگزار شد. نزدیک به صد عضو، نماینده و مهمان از کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان، هلند، انگلیس، فرانسه، نروژ، و سوئد در این کنفرانس شرکت کردند.

این کنفرانس با یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد دانشجویان کشته شده در اعتراضات اخیر در ایران علیه جمهوری اسلامی و نیز گرامیداشت یاد پناهندهایی که در ماه ژوئن سال جاری توسط دولت ترکیه به قتل رسیدند، افتتاح شد.

در این کنفرانس فعالیت‌های دو سال گذشته توسط دبیر فدراسیون، سایر اعضا دبیرخانه و مسئولین دفاتر فدراسیون ارزیابی شد و چهارچوب عمل دوره آتی با قرارها و سندهای لازم به تصویب رسید. اسناد مصوبه و جهت گیری های کنفرانس هشتم فدراسیون، این نهاد را بعنوان یک نهاد سیاسی - اجتماعی متکی به کار کمیته‌ی و نهاده‌ی که باید بتواند طی آینده نزدیک‌ترین قطب مدافع حقوق بشر در ایران تبدیل شود، تثبیت و تحکیم برنامه‌های متنوعی چون

نمایش تئاتر، سخنرانی های مهمانان کنفرانس، برگزاری کارگاه کار کمیته و همچنین برنامه‌های دیسکو که در حاشیه جلسات رسمی کنفرانس برگزار شد، محیطی گرم و متنوع برای شرکت کنندگان در کنفرانس بوجود آورد. در جلسه انتخابات، رسماً از تلاش های چند ساله ثریا شهابی در رهبری این نهاد قدرتمند و مریم نمازی با ارائه پلتفرم رهبری فدراسیون برای دور آتی بعنوان دبیر فدراسیون برگزیده شد. مریم نمازی دو تن از اعضا دبیرخانه سراسری فدراسیون را به این سمت معرفی کرد: کیوان جاوید در سمت معاون دبیر فدراسیون و بهروز میلانی بعنوان سردبیر نشریه همبستگی فارسی. لیست کامل اعضای دبیرخانه مرکزی و مسئولیت‌هایشان در آینده نزدیک توسط مریم نمازی اعلام خواهد شد.

دبیرخانه همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
اوت ۱۹۹۹

خطاب به زنان آزاده ایران

روز یکشنبه ۲۰ تیر ماه در جریان تظاهرات دانشجویان مردم معترض، یک اتوبوس حامل زنان دستگیر شده بچرم - بدجایی از سوی تظاهرکنندگان محاصره شد و همه زنان دستگیر شده آزاد شدند. این واقعه در جریان مبارزات وسیع و باشکوه جاری، یک معضل مهم مردم در ایران را به جلو صحنه آورد. آپارتاید وحشیانه جنسی و سرکوب سیستماتیک و خشن زنان تحت حکومت اسلامی.

بیست سال است که در ایران، صرف زن بودن جرم محسوب شده و نیمه انسانها در این جغرافیا به یک زندگی بعنوان جنس پست و درجه دوم و نیمه انسان سوق داده شده اند. جمهوری اسلامی در مورد همه امورات و زندگی زنان از کار در بیرون از خانه، تا نحوه راه رفتن، خندیدن، حرف زدن و تا خصوصی ترین زوایای زندگی آنها دخالت کرده و در مورد آنان مقررات و قوانین تعیین نموده است. اینها زندگی زنان در ایران را به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل نموده اند.

زنان همواره در سنگرهای مختلف در مقابل این قوانین جنگیده و ایستاده اند. در مبارزات جاری امروز نیز بی شک یک خواست محوری باید لغو آپارتاید جنسی در ایران، لغو حجاب اجباری، برابری کامل بین زن و مرد و کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم باشد.

زنان آزاده ایران، دوستان و همزمان! جمهوری اسلامی در سراثیب سقوط و سرنگونی است. شما در دوران حکومت اینها، طعم تلخ زندگی در زیر چکمه های اسلام را چشیده اید. شما میدانید که تحقیر و به هیچ انگاشته

شدن چگونه است. شما میدانید که سلب ابتدایی ترین حقوق انسانی از انسانها تا چه حد نفرت آور و غیر انسانی است. شما میدانید نداشتن حق طلاق، حق تکفل، حق سفر و یا کار در بیرون از خانه و داشتن آقا بالا سر قانونی و رسمی در تمام موارد تا چه حد تحقیر کننده و شنیع است. شما میدانید که دخالت و تصمیم گیری در مورد عواطف و عشق و روابط جنسی تا چه حد ضد انسانی و منفر است. و شما میدانید که ایستادگی در مقابل همه این قوانین کثیف الهی، چه عواطف شومی بدنبال دارد و داشته است. شما طعم تلخ دستگیری بچرم آرایش کردن و کتک خوردن و شکنجه بچرم زیر پا گذاشتن قوانین ضد زن و سنگسار بچرم روابط خارج از ازدواج را دیده و یا تجربه کرده اید. پس اغراق نیست اگر بگویم شما دشمنان جدی حکومت اسلامی و تمام قوانین ضد انسانی آن هستید. با قدرت تمام به میدان آید و به عمر ننگین این حکومت ضد زن و ضد انسان پایان بخشید! حجاب اجباری را همچون زنان آزاده سندانج در جریان تظاهرات به دور آکنید و لگد مال کنید. بر پرچم مبارزات جاری امروز شعار برابری کامل بین زن و مرد، لغو حجاب اجباری، لغو تمام قوانین مبتنی بر آپارتاید جنسی، کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم را بنویسید. جمهوری اسلامی مذهب و دخالت آن در زندگی مردم و بویژه زنان را به اوج خود رساند. رسالت تاریخی شما اینست که با شدت تمام برای به زمین بکوبید و نه فقط خود را رها کنید بلکه امید به میلیونها زن در افغانستان و الجزایر و تونس و دیگر کشورهای اسلام زده دهید.

میا احدی

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ تیرماه ۹۹ (۱۲ ژوئیه ۹۹)

آزادی و برابری زنان در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است

در ازدواج و طلاق و سرپرستی اطفال و بسیاری خواستهای دیگر که بیانگر برابری زن و مرد در یک جامعه آزاد و برابر و سکولار است باید در صدر خواستهای جنبش مردم علیه جمهوری اسلامی حک شود.

زنان به هیچوجه و بخاطر هیچگونه مصلحتی نباید از این خواستها عقب بنشینند. ما یک درس گرانبها از انقلاب ۵۷ گرفته ایم. هیچ مصلحتی بالاتر از آزادی و برابری نیست. هیچ منفعتی بر آزادی و برابری ارجحیت ندارد. باید خواستهایمان را روشن و صریح اعلام کنیم و با تمام قوا برای تحقق این مبارزه کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران موجدانه برای چنین جامعه برابر و آزادی مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری ایران مدافع سرسخت برابری و آزادی زنان است. برنامه "دنیای بهتر" خواستهای برحق زنان را در روشنی بیان کرده است. این خواستها در یک جمهوری سوسیالیستی قابل پیاده شدن و تضمین است. برای آزادی و برابری، برای یک دنیای بهتر و در خور بشریت مدرن، به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.

آذر ماجدی سردبیر مجله مدوسا

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ تیرماه ۱۳۷۸، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹

زنان آزادیخواه و مبارز ایران!

در هفته اخیر جهانیان با دقت و نگرانی اوضاع ایران را دنبال کرده اند. امید به تغییر، امید به آزادی، امید به سرنگونی جمهوری اسلامی، امید به یک انقلاب عظیم که آزادی و برابری را بر پرچم خود حک کند قلبها را به لرزه درآورده است.

این امید واهی نیست. این امکان اعلام پذیر است. مردم شیپور سرنگونی جمهوری اسلامی را بصدای آورده اند. بیست سال حاکمیت اسلام و بربریت اسلامی، کشتار و خورشت و اختناق و آپارتاید جنسی باید پایان پذیرد. این آغاز پایان جمهوری سیاه اسلامی است.

خواست سرنگونی جمهوری اسلامی خواست تمام آزادیخواهان، خواست تمام مردم بجان آمده، خواست تمام زنان آزادیخواهی است که بیست سال تحقیر و سرکوب یکی از سیاه ترین و ارتجاعی ترین رژیم های این قرن را تحمل کرده اند. باید مبارزات را گسترش دهیم. باید مرگ جمهوری اسلامی را تسریع کنیم. باید این پختن قرون وسطایی را از روی جامعه به کناری اندازیم. خواست برابری کامل زن و مرد، خواست آزادی بی قید و شرط و کامل زنان، خواست لغو حجاب اجباری، خواست کوتاه شدن دست مذهب از زندگی زنان، خواست جدایی دین از دولت، خواست حق تعیین سرنوشت زنان بدست خود، خواست حق برابر زن و مرد

برنامه حزب کمونیست کارگری یک دنیای بهتر را بخوانید!

مدوسا ۴ منتشر شد

4
مدوسا
Medusa



صدای کمونیسم کارگری

www.kvwpiran.org

نشریه انترناسیونال رایگان است

نشریه انترناسیونال رایگان در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. هزینه آبونمان تنها معادل هزینه پست نشریه است. بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه‌ای توزیع نیز تنها معادل هزینه توزیع و حقالزحمه فروشنده است.

انترناسیونال با کمکهای مالی خوانندگان و دوستدارانش تامین می‌شود

هزینه انتشار نشریه انترناسیونال کم نیست. کمکهای مالی خوانندگان و علاقمندان نشریه به انتشار و توزیع هر چه گسترده‌تر آن کمک می‌کند.

آبونمان نشریه ساده است برای آبنه شدن نشریه کافیست فرم پر شده زیر و معادل هزینه پست نشریه را به یکی از آدرسهای نشریه پست کنید.

مایلم نشریه انترناسیونال را از شماره تا شماره و از هر شماره عدد مشترک شوم.

NAME:
ADDRESS:
POSTCODE:
CITY:
COUNTRY:

تلفنیهای تماس:	تلفنیهای تماس با واحدهای:
صفر کریمی، ۰۹۷۹۲۸۰۹۷۹۲۸ (۴۴)	حزب در خارج کشور
علی جوادی، روابط عمومی: ۰۹۲۲۸-۹۴۴۵-۳۱۰ (۱)	سوئد: ۰۷۰ ۷۱۵ ۲۳۲۴
رحمان حسین زاده، تشکیلات کردستان: ۰۰۴۶۶۲۳۹۸۵۵۸۳۷ (۰۰۴۶۶)	انگلیس: ۰۹۵۸ ۷۴۷۳۱۰
	فرانسه: ۰۶ ۸۲۲۵۱۷۷۶
	ونکوور: ۰۶۰۴ ۸۰۸ ۲۷۰۴
	کانادا: ۰۴۱۶ ۷۳۷ ۹۵۰۰
	آلمان: ۰۱۷۲ ۷۸۲ ۳۷۴۶

http://www.wpiran.org

با مراجعه به صفحه حزب در اینترنت میتوانید آخرین اطلاعاتی های حزب و جدیدترین شماره های نشریات را ملاحظه کنید. برای خواندن و پرینت کردن اطلاعاتی های حزبی به خط و یا برنامه ویژه ای نیاز نیست. برای خواندن و پرینت نشریات به برنامه آکروبات ریدر احتیاج است، این برنامه مجانی است که میتوانید از طریق صفحه حزب در اینترنت هم آنرا تهیه کنید.

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 10313750471 Köln Germany	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT. M5S 2Y4 Canada
Bank Accounts		
Z.L.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Postgiro: 4492709-3 K.A.K.Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	دبیرخانه حزب BM Box 8927 LONDON WC1N 3XX England
e-mail: wp@iran1.freemove.co.uk Fax: (1) 416 515 67 22		